



فهرست مطالب

- ۲..... شکست صهیونیست‌های اسرائیلی هم در تاکتیک و هم در استراتژی.....
- ۳..... طرح منطقه پرواز ممنوع با شکست روبرو شد.....
- ۴..... آتش بس ۷ روزه یک شکست بزرگ تاریخی برای اسرائیل است. چرا؟.....
- ۵..... کمپین جهانی در دفاع از حقوق کودکان در غزه.....
- ۶..... اعتصاب کارگران بندر «جنوا» علیه اسرائیل در همبستگی با فلسطین.....
- ۷..... در جبهه نبرد طبقاتی.....
- ۱۱..... آیا طرح استخراج گاز دلیل سلامتی مردم غزه است؟.....
- ۱۳..... هنرمندان مشهور جهان در همبستگی و حمایت از خلق فلسطین.....
- ۱۴..... چند نکته پیرامون سخنرانی حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان.....
- ۱۵..... «افزایش سن بازنشستگی در ایران و اظهارات پیرامون آن».....
- ۱۶..... گزارشی از تظاهرات‌های ضد صهیونیستی و اشغالگری و در همبستگی با خلق فلسطین.....
- ۱۸..... چرا بخشی از مردم ایران، نسبت به قتل عام و نسل‌کشی فلسطینیان در غزه، بی‌تفاوت‌اند؟!.....
- ۱۹..... چهره فاشیستی و ضد انسانی صهیونیست‌ها عیان‌تر شده است.....
- ۲۰..... واقعیت‌هایی پیرامون بودجه حماس و دولت غزه.....
- ۲۱..... نگاهی به آمار سازمان ملل متحد از درد و آوارگی فلسطینی‌های غزه.....
- ۲۲..... حمایت احزاب مارکسیست از جنبش مسلمانان در فلسطین.....
- ۲۴..... جنایت علیه بشریت ادامه دارد.....
- ۲۵..... نقدی بر بیانیه «نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل از زندان اوین در مورد فلسطین».....
- ۲۶..... به مناسبت صد و شصت و یک سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر.....
- ۲۷..... رضا پهلوی در سرسپردگی به اجنبی هم‌تا ندارد.....
- ۲۷..... رژیم اشغالگر اسرائیل برخلاف ادعای خود نتوانسته تونل‌های جنبش مقاومت را تخریب کند.....
- ۲۸..... آیا تونل ۵۰۰ کیلومتری در غزه حقیقت دارد؟.....
- ۲۹..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۳۰..... بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین.....
- ۳۱..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۳۲..... پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



شکست صهیونیست‌های اسرائیلی هم در تاکتیک و هم در استراتژی

به رغم تبلیغات دروغین و فریبکارانه رسانه های غربی و مطبوعات اسرائیلی و سیاه نمایی های چاکران درگاهش در «بی بی سی» و «اسرائیل-ایران اینترناشنال» و صدای آمریکا و آلمان و انگلیس و ده ها کانال ماهواره ای و نشریات مزدبگیر دیگر در ایران و در سطح جهان، مبنی بر اینکه ارتش اسرائیل چهارمین قدرت نظامی جهان است و ظرف چند روز شبه نظامیان فلسطینی و سازمان «تروریستی» حماس را از صحنه روزگار محو کرده و آنقدر از مردم غیر نظامی را از طریق قطع آب، غذا، دارو، برق و سوخت و بمباران و توپ باران، کشتار خواهد کرد تا بقیه ساکنان غزه از روی اجبار، باریکه غزه را ترک و به «شبه جزیره سینا» در خاک مصر که اسرائیل در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ اشغال کرده بود، کوچ کنند و باقی مانده سرزمین فلسطین بنام غزه و به وسعت حدود ۳۶۰ کیلومتر مربع را هم، مانند سرزمین های غصب شده سوریه و اردن و مصر، اشغال و ضمیمه خاک خود خواهد کرد

ضربه کاری و از قبل طراحی شده مبارزان جان برکف فلسطینی نظیر حماس، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جهاد اسلامی و غیره چنان قدر قدرتی ارتش اسرائیل را در پیش چشم جهانیان به سُخره گرفتند و آبروی نداشته فاشیست های تل آویو نشین را بر باد دادند که از سر خشم و دیوانگی همچون سگ هار، قتل عام غیر نظامیان، از نوزادان تا کهنسالان، بمباران بیمارستان ها و مدارس و خانه های مسکونی و اماکن عمومی را در دستور کار قرار دادند و ده ها هزار نفر را کشتند و مجروح

نمودند و خانه های زیادی را با خاک یکسان کردند! در طول این وحشیگری ها، دروغ و لجن پراکنی علیه فلسطینیان را چاشنی جنایات خود نموده و چاکران درگاه صهیونیست های عالم هم، همصدا با رسانه های دروغ پرداز، عووسر دادند! پس از چندی معلوم شد که تبلیغات دروغ کشتار شرکت کنندگان جشنواره اسرائیلی، سربریدن ۴۰ نوزاد توسط مبارزان فلسطینی و کشف «انبار اسلحه» در بیمارستان های ویران شده، دروغ کثیفی بیش نبوده است! بیست روز تمام، یعنی تا ۲۷ اکتبر، ارتش چهارم جهان از ترس جنگاوران فلسطینی مستقر در تونل های زیر زمین، جرات حمله زمینی پیدا نکرد! در ۲۷ اکتبر، حیوانات وحشی آدم نمای تل آویو نشین، بنا به دستور اربابان آمریکایی شان، مبنی بر اینکه هر چه سریعتر کار را یکسره کرده تا ملت های جهان بیش از این علیه ما متحد نشوند، حمله و تهاجم زمینی را آغاز نمودند! حملات زمینی باتانک و نفربر رزمی و بایش از ۳۰۰ هزار نیروی نظامی تادندان مسلح، گره ای از مشکلات آدمکشان اسرائیلی نگشود و دست آوردی جز کشتار بیشتر در پی نداشت! بعد از گذشت تقریباً ۵۰ روز از جنگ نابرابر، صهیونیست ها به این نتیجه رسیدند که حتی اگر تمام نوار غزه را با خاک همسان کنند، دست یابی و «محو» مبارزان فلسطینی نه تنها محال است بلکه تلفات سنگینی از سربازان اسرائیلی را به همراه خواهد داشت! دفتر رسانه ای ارتش صهیونیستی اسرائیل در دوم آذر ماه اعلام کرد: «تلفات اسرائیل در نبرد با حماس در باریکه غزه از شروع تهاجم زمینی در ۲۷ اکتبر به ۶۹ نفر رسید.»

آیا اسرائیل حقیقت را می گوید؟! تمام تار و پود صهیونیست ها با دروغ، ریاکاری، سیاه نمایی و جعلیات بافته شده است! به این گفته رئیس گورستان نظامی اسرائیل توجه کنید: «ما هر ساعت یا هر ۹۰ دقیقه یک جسد تحویل می گیریم در عرض دو روز ۵۰ جنازه دفن کرده ایم.»



طرح منطقه پرواز ممنوع با شکست

روبرو شد

یک سال واندی از شورش کور و ضد انقلاب «زن زندگی آزادی» می گذرد. شکست پروژه تبدیل کردستان ایران به شهر بنغازی درلیبی، با حضور چند وطفروش ایرانی در نشست امنیتی ناتو طرح حمله نظامی به ایران را روی میز ناتو قرار داده بود.

زمستان سال گذشته و پس از اعلام قطعی شکست طرح ارتجاعی «زن زندگی آزادی» در برخی محلات افشای جزئیات یک خیانت بزرگ از سوی برخی از عناصر مزدور در خارج از کشور باعث بهت بسیاری از ناظران سیاسی شد. در آن زمان خبر رسید که دو تن از اعضای شورای همبستگی (معروف به سیرک براندازی) با شرکت در کنفرانس امنیتی هلیفکس خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع در استان کردستان شده‌اند، در آن زمان برخی جریانات ناسیونال شونیستی و تروریستی کردی در منطقه اقلیم کردستان عراق در پایگاه‌های ماساد تحت آموزش قرار گرفته و به بهانه برخی شورش کور در آن سوی مرز سعی داشتند از فرصت استفاده کرده و به داخل ایران نفوذ کنند. این وقایع باعث شده بود تا دو تن از فعالان خودفروخته (مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون) با شرکت در کنفرانس دیپلماتیک ناتو در کانادا (هلیفکس) خواهان منطقه پرواز ممنوع در بخشی از کشور و ایجاد فرصتی برای حمله نظامی به ایران شوند! مهدی حاجتی از عناصر بهایی در خارج از کشور در آن زمان فاش ساخت که هدف از اجرای طرح پرواز ممنوع در کردستان آن بود که این منطقه مانند بنغازی در لیبی به مرکز فرماندهی تجزیه طلبان تبدیل شود. این طرح امروز کاملاً با شکست روبرو شده است. اما این هنوز پایان ماجرا نیست. امروز بار دیگر مسیح علی‌نژاد با شرکت در نشست امنیتی هلیفکس طرح حمله نظامی به ایران را روی میز ناتو قرار داده است، این عامل سازمان سیا در یکی از پتل‌های این نشست ایران را محرک اصلی در عملیات طوفان‌الاقصی خوانده است، علی‌نژاد در این نشست از حمله نظامی رژیم صهیونیستی به تاسیسات ایران حمایت کرده و مدعی شده مردم ایران نیز از این اقدام حمایت خواهند کرد! مسیح علی‌نژاد و رضا پهلوی و شماری دیگر از اپوزیسیون مزدور و شکست خورده «زن زندگی آزادی» باردیگر به میدان آمدند ضمن حمایت بیش‌مانه از مباران غزه توسط اسرائیل و از «سر مارد تهران» است سخن می گویند. مسیح علی‌نژاد در گفتگو با تلویزیون اسرائیل اینترناشنال نیز به روشنی خواستار بمباران پایگاه‌های هسته‌ای ایران توسط اسرائیل و غرب شد.

ماهیت این وطفروش‌ان امروز بیش از پیش آشکار شده و این جریانات همچنان بر طبل منطقه پرواز ممنوع «بنغازی ایرانی» می کوبند و از مزدوری فضیلتی ساخته‌اند.

مطمئناً شکست صهیونیست‌ها در غزه شکست این مزدوران وطفروش نیز می باشد. زنده باد خلق فلسطین!

نگ ب وطفروش‌ان ایرانی!*

حال با توجه به اظهارات رئیس قبرستان نظامی اسرائیل، به غیر از آمار قبرستان‌های دیگر، با حساب سرانگشتی و نه بطور دقیق، می‌توان پی برد در این مدت ۲۰ روز پس از عملیات «طوفان الاقصی»، که «هر ساعت و یا هر ۹۰ دقیقه» یک جنازه از نظامیان اسرائیلی دفن می‌شد، ارتش اسرائیل بیش از ۷۰۰ نظامی در جنگ زمینی از دست داده است. ارتش اسرائیل در طی یک هفته اخیر حدود ۲۰ عملیات پیش‌رونده انجام دادند که همه آنها به شکست انجامید و متحمل خسارات سنگینی شدند! یکی از دلایل اصلی تلفات نیروهای اسرائیلی و نابودی تانک‌ها و خودروهای زرهی اسرائیل توسط مبارزان غزه، عدم تحرک و دورزدن سریع تجهیزات سنگین ارتش اسرائیل در خرابه‌های ناشی از بمباران بوده است که باعث نابودی هر چه بیشتر تجهیزات نظامی صهیونیست‌ها توسط مبارزان فلسطینی گردیده است!

با توجه به نکات مختصر فوق کارشناسان نظامی و اتاق فکر صهیونیست‌های آمریکایی و اسرائیلی به این نتیجه رسیدند که از کشتار سبانه غیر نظامیان و محصور در زندان روبراز غزه طرفی نخواهند بست و ارتش اسرائیل نه تنها حریف مبارزان فلسطینی نخواهد شد بلکه کشتار زنان و کودکان و مردم عادی فقط لعن و نفرین و خشم و نفرت جهانیان را به همراه خواهد داشت.

بدین سبب چاره رادر صلح چهار روزه با تروریست‌های «حماس دیدند؟! صلحی که فلسطینیان در آن دست بالا را دارند یک نمونه آن آزادی ۱۵۰ اسیر فلسطینی در قبال آزادی ۵۰ گروگان اسرائیلی است. صهیونیست‌های فاشیست اسرائیل هرگز به مبارزان فلسطینی، که مصمم شدند تا از زندگانی بد بیشتر از مرگ بترسند، دست پیدان خواهند کرد تا چه رسد به محو و نابودی آنها!

تمام محاسبات و هارت و پورت‌های فاشیست‌های آمریکایی، اسرائیلی و بعضی از کشورهای اروپایی و همه دشمنان بشریت، آشکارا نشان از شکست کامل اسرائیلی‌ها، هم در تاکتیک و هم در استراتژیک در جنگ و حشیانه علیه مردم فلسطین دارد. جهان در حال پوست اندازی و آبستن حوادث دوران سازی است. گذشت زمان یکه تازی و تجاوزات امپریالیست‌های جهان‌خوار غربی بویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه در آفریقا، آسیا، آمریکای مرکزی و جنوبی و شکست در کره، ویتنام، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن، نیجر، الجزایر، بوركینافاسو، اوکراین و دیگر نقاط جهان گواهی است بر این واقعیت که غرب امپریالیست و یکه تاز چند صد سال اخیر در حال افول و جهان در فرایند تشدید تضادهای امپریالیستی از یک سو و رشد جنبش‌های ملی و ضد استعماری و گذار به نظم چند قطبی در حرکت است. این حرکت البته دارای فراز و فرودهایی است.

پیشروی‌ها و عقب نشینی‌هایی رخ می دهد اما در هر حال نظم قدیم دیگر توان اعمال هژمونی بر جهان را مثل گذشته ندارد مجبور است خود را با نظم جدید جهانی مطبق سازد.

دراختزاز باد پرچم مبارزه خلق‌های جهان علیه صهیونیسم، راسیسم، نازیسم، فاشیسم و امپریالیسم!*

اسرائیل تحقیر شد، تروریست نامیده شد که دیگر خطر جدی برای اسرائیل محسوب نمی‌شود کاملاً تحت کنترل ارتش اسرائیل قرار دارد.... اما یک «گروه افراطی» کوچک یک قدرت ادعایی نظامی-امنیتی را اینگونه ذلیل می‌کند، دیگر در این حوزه حیثیتی برای اسرائیل باقی نمی‌ماند و حتی حکام مرتجع کشورهای عربی نیز خواهند فهمید اسرائیل واقعا آن چیزی که ادعا می‌کند نیست.

چهارم - هدف اصلی اسرائیل آنطور که بارها از زبان نتانیاها مطرح شد، «نابودی و خلع سلاح سازمان‌های حماس و جهاد اسلامی و سایر سازمان‌های سیاسی نظامی» که تعداد آنها بیش از ۱۸ گروه اعلام شده است بعنوان هسته‌های مقاومت در غزه بود، ولی اکنون که در چهل و هشتمین روز جنگ قرار داریم، هنوز هیچ خطری جدی آنها را تهدید نمی‌کند و قدرت آنها نه تنها ذره ای آسیب ندیده که حتی هر روز ابتکارات جدیدتری از خود بروز می‌دهند.

پنجم - آتش بس در چنین شرایطی که یک گروه کوچک با ابتکارات خود و صبر بی مانند مردمش توانسته از اسرائیل در اذهان ملت‌های جهان منفورترین رژیم دنیا را بسازد، آمریکا را حامی نسل کشی آنها جلوه دهد، ملت‌های آزاده جهان را بویژه ممالک مسلمان عربی و آفریقایی علیه بربریت و فاشیسم اسرائیل صهیونیسم متحد کند و قدرت نظامی و امنیتی اش را به سخره بگیرد و در عین حال توان مقاومت هیچ آسیبی نبیند، یعنی اسرائیل در حالی بدون هیچ دستاوردی تن به پذیرش آتش بس داده که نه در آغاز جنگ نقش تعیین کننده ای داشته و نه در پایان آن موفق به تحقق خواسته هایش شده است! جنبش مقاومت فلسطین در چنین شرایطی همچنین می‌تواند حاکمیت اسرائیل را به جان هم بیاندازد و اختلافات داخلی آنها را تشدید کند. در یک کلام آتش بس از طرفی به عمر سیاسی نتانیاها و دولتش پایان می‌دهد و برای اولین بار در ۷۵ سال گذشته فلسطینی‌ها می‌توانند در حاکمیت رژیم اخلاص، و یک کابینه فاشیستی صهیونیستی را سرنگون نمایند.

ششم - این شکست یک شکست استراتژیک برای اسرائیل غیر قابل ترمیم است دقیقاً یعنی اسرائیل علاوه بر فرو ریختن هیمنه ساختگی اش، اگر ادامه دهد با فرسایشی شدن جنگ، علاوه بر زیان‌های عمیق اقتصادی و روانی آن، همینطور فشار ملت‌های صلح‌خواه جهان بر ضد اسرائیل افزایش می‌یابد..... و از این رو در هر حال شکستش محتوم است.*

مرگ بر صهیونیست‌های کودک کش



آتش بس ۴ روزه یک شکست بزرگ تاریخی برای اسرائیل است. چرا؟

زیرا آتش بس سوا از اینکه یک ضرورت بشردوستانه و انسانی است، در عمل به معنی شکست همه‌جانبه اسرائیل است. شکستی که در این ۷۵ سال نظیرش را تجربه نکرده و هرگز تصورش را هم نمی‌کرد. شکستی که تبعات بلندمدت برگشت‌ناپذیری - چه در داخل، چه در منطقه و چه در صحنه بین‌المللی - برایش رقم خواهد زد:

یکم - در این عملیات ارتش اسرائیل زمین بازی را تعیین نکرد، بلکه مجبور شد در زمین سازمان حماس بازی کند؛ به عبارتی هم زمان و هم مکان را جنبش مقاومت فلسطین تعیین کرده است. ورود زمینی ارتش اسرائیل در غزه و همزمان ادامه بمباران اماکن غیر نظامی و کشتار هزاران کودک بیگناه و حمله به بیمارستان‌ها و از طرفی دام‌گذاری عملیات شهری و افزایش تلافیات نظامی ارتش اسرائیل، اسرائیل را وادار به مذاکره کرد.

دوم - سازمان حماس توانست برای اولین بار در تاریخ ۷۵ ساله اسرائیل، بنیان اسرائیل را به لرزه در آورد و هیمنه ای که در طول سال‌ها تحت عناوینی چون چهارمین ارتش جهان، اولین ارتش در غرب آسیا، و ابرقدرت اطلاعاتی - امنیتی منطقه به دست آورده بود را یکجا فرو بریزد و آن را کاملاً بی اعتبار سازد.

سوم - دنیا شاهد است سازمان حماس که بارها از طرف

شانزده هزار نفر زخمی به جای گذاشته است. روزانه بیش از ۱۰۰ کودک و یا هر ۱۵ دقیقه یک کودک به قتل می‌رسد. در بین زخمی‌ها هم کودکان زیادی هست. کارکنان بیمارستان الشفاء ناگزیر شدند گروهی تحت عنوان «کودکان زخمی که خویشاوند زنده ندارند» ایجاد کند. کودکان بدون بی‌هوشی عمل جراحی می‌شوند؛ این هم، آن‌ها را گیج و منگ می‌کند. دیگر، کودکان غزه در صورت کشته شدن، اسم هایشان را روی بازوهایشان می‌نویسند تا تشخیص داده شوند

بررسی‌هایی که به عمل آوردیم نشان می‌دهد که سرکوب و تروریسم دولتی از نظر فیزیکی و روانشناسی یک تهدید جدی برای کودکان است. تحقیقات ما تاثیر دراز مدت آزمون جنگ را روشن می‌کند؛ آسیب‌هایی که به طور مستمر در غزه روی هم متراکم می‌شود و تاثیر آن روی رفاه کودکان و سلامت احساسی، ذهنی و فیزیکی آنها را به نمایش می‌گذارد. ادامه دادن این وحشت که به کشته، معلول و زخمی شدن هزاران کودک دیگر منجر می‌شود، هیچ استدلال اخلاقی نمی‌تواند داشته باشد. می‌توان از این کشتار و زخمی شدن‌ها جلوگیری کرد. این یک انتخاب است. کسانی را که این قدرت را دارند و می‌توانند زندگی کودکان را نجات بدهند دعوت به عملی کردن این کار می‌کنیم. متوقف کردن هر چه زودتر و هم اکنون این جنگ که هدف آن نسل‌کشی است، یک امر حیاتی در زنده مانی و سلامت کودکان است. دز عصر ما، چنین پیش‌بینی شده که اگر کودکان در معرض جنایت، گرسنگی و بی‌خانمانی مورد تائید دولتی باشد، بلافاصله عاملین آن محکوم شود؛ ولی تمام کودکان یکسان در نظر گرفته نمی‌شوند. سختی‌های وحشتناکی که کودکان فلسطینی با آن مواجه هستند، جدی گرفته نمی‌شود و این امر آن‌ها را بیشتر تضعیف و آسیب‌پذیرتر می‌کند. سبک شماری درد و اندوه و مرگ و میر آن‌ها و طوری رفتار کردن با آنها که گویی انسان نیستند، شریک جرم تلقی می‌شود. کودکان فلسطینی نام، خانواده، آرزو و رویاهایی دارند. بله دارند، ولی کودکان فلسطینی با بی‌رحمی‌های جهانی و منطقی‌ای که آن‌ها را بی‌نام می‌کند، تا حد آمار تنزل می‌دهد، مواجه هستند.

بر این باوریم که علت هر چه باشد هیچ کودکی نباید مورد آزار و اذیت، قتل، زخمی شدن و یا گرسنگی قرار گیرد. یک بار دیگر تکرار می‌کنیم: زندگی کودکان فلسطینی با ارزش است نتایج غیرقابل تحمل نسل‌کشی در غزه فقط متوجه کودکان نیست؛ پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ و تمام اقوام و همسایگان‌شان را نیز تحت تاثیر قرار می‌هد. مراقبت از کودکان و حمایت از آن‌ها به معنای حفاظت و مراقبت از بزرگانی است که در زندگی آنها هستند.

درد «زخمهای درونی» کودکان را فقط احساس حمایت خانواده، دوستان و همسایگان‌شان می‌تواند التیام بخشد. ولی زندگی بالغین فلسطینی فقط به خاطر مراقبت از کودکان ارزشمند نیست. یک بار دیگر می‌گوییم: زندگی همه‌ی فلسطینی‌ها ارزشمند است*



کمپین جهانی در دفاع از حقوق کودکان در غزه

بیش از هزار دانشمند که در زمینه‌ی کودک فعالیت دارند، در تاریخ ۲۶ اکتبر یک دعوت آتش بس را به افکار عمومی ارائه کردند. این متن که در نشریه ترکیه‌ای «اورنسل» انتشار یافته است ترجمه فارسی قسمت اصلی این دعوت را که توسط فعالین حزب کارایران (توفان) صورت گرفته است با اندکی تلخیص در زیر ملاحظه فرمائید:

دعوت به آتش بس د غزه

ما به عنوان آکادمیسین‌هایی که در زمینه کودک و کودکی کار می‌کنیم، دعوت می‌کنیم به نسل‌کشی و پایمال کردن وحشتناک حقوق کودکان در غزه، که هم اکنون در جریان است، خاتمه داده شود. برای اغلب ما، فعالیت در این زمینه از آرزوی بهبود شرایط مادی، اجتماعی و سیاسی همه‌ی کودکان جهان سرچشمه می‌گیرد. از این روی، نمی‌توانیم تماشاگر بمباران‌های غزه که با تسلیحات فراهم شده از سوی نیروهای غربی انجام می‌شود و تخلیه‌ی اجباری بیش از یک میلیون انسان از سوی دولت اسرائیل و استمرار شرایط بحرانی در غزه که با ممنوعیت ورود آب، سوخت و مواد غذایی به غزه از سوی دولت اسرائیل در جریان است، باشیم. این وضعیت به ادامه‌ی ۷۵ سال اشغال «سکونت - استعماری» غزه از سوی اسرائیل و تبدیل آن به یک زندان روباز و تاثیر ۱۷ ساله‌ی آن اضافه شده است. وقتی همه‌ی این‌ها روی هم جمع می‌شود، کودکان که حدود نیمی از جمعیت غیرنظامی غزه را تشکیل می‌دهد، تحت وحشتناک‌ترین شرایط زندگی فوق تصور قرار دارند کودکان در غزه، زندگی، آینده و حتی امکان تنفس خود را نیز از دست می‌دهند. هم اکنون که ما این سطرها را می‌نویسیم، در حملات اسرائیل که از ۱۷ اکتبر آغاز شده است، بیش از هفت ۷ هزار نفر کشته شده که سه هزار نفر آن کودک بودند و بیش از



اعتصاب کارگران بندر «جنوا» علیه اسرائیل در همبستگی با فلسطین

جنوا تاکنون نقش محوری ایفا کرده است. به ضرس قاطع می‌توان گفت که بندر جنوا مهمترین محور صدور اسلحه از کشورهای اروپایی، بویژه آلمان به مناطق جنگی بوده است. تظاهرات روز جمعه گذشته مشخصا به منظور جلوگیری از ارسال اسلحه‌های اروپایی به سمت اسرائیل برگزار شده بود. مشابه همین تظاهرات در هفته گذشته در بندر سیدنی در استرالیا به منظور جلوگیری از پهلوگیری کشتی شرکت اسرائیلی ZIM برگزار شده بود. روز دوشنبه گذشته نیز کارگران بندر بارسلونا در اسپانیا با سازماندهی یک تظاهرات اعلام کردند که از بارگیری ادوات جنگی در کشتی‌ها جلوگیری به عمل خواهند آورد. آنها اعلام کردند که هیچ دلیلی نمی‌تواند توجیه‌گر کشتار غیر نظامیان (در غزه) باشد. در بلژیک نیز چندین هفته است که کارگران فرودگاه از ارسال محموله‌های جنگی به دلیل اینکه به کشتار غیر نظامیان بی‌گناه منجر خواهد شد جلوگیری به عمل می‌آورند. حتی در ایالات متحده آمریکا، در بندر «تاکوما» در نزدیکی شهر سیاتل از بارگیری اسلحه و مهمات به یک کشتی که در بندر پهلو گرفته بود جلوگیری به عمل آوردند. چند روز پیش نیز از طرف کارگران بندر اوکلند در خلیج سانفرانسیسکو از حرکت این کشتی جلوگیری به عمل آمده بود.

**زنده باد همبستگی کارگران جهان با خلق در
بند و مبارز فلسطین.***

روز جمعه گذشته کارگران بندر «جنوا» با شعار «جنگ از همین جا آغاز می‌شود» مانع ارسال اسلحه به کشور اسرائیل شدند. "مجمع کارگران خودمختار" CALP بندر جنوا کارگران را به این اعتصاب فرا خوانده بود. در این تجمع علاوه بر کارگران بندر، اعضای «اتحادیه کارگران پایه USB»، اتحاد احزاب چپ Union Popolare و نیز بسیاری از سازمان‌های دانشجویان پاسیفیست نیز حضور داشتند. آنها در یک اطلاعیه مطبوعاتی اظهار داشتند که: "دشمن در خانه است"، «مامشغول جنگ علیه جنگ هستیم» و اضافه کردند که ما با حضور خود در اینجا عملا از فراخوان سندیکای فلسطینی‌ها جهت ممانعت از صدور سلاح به اسرائیل پیروی کرده ایم. اتحادیه احزاب چپ اضافه کرد که: «در همبستگی نباید تنها به حرف بسنده کرد بلکه باید با عمل توأم باشد، عملی که در مکانیزم جنگی ی که مرگ را به غزه ارسال می‌کند خلل وارد کرد. مجمع کارگران نیز اعلام کرد که هدف از این اقدام پایان دادن به ارسال هر نوع سلاح از این بندر می‌باشد. زیرا چه در جنگ اوکراین و چه قتل عام در غزه، از نظر لجستیکی بندر



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در آبان ماه ۱۴۰۲

«وصله کمونیستی» می خوانند تا شرایط برده داری نتولیرالی را تثبیت و جاودانه کنند!

اما علیرغم همه این سرکوبها و فشارهای اقتصادی مبارزه کارگران برای تشکیل سندیکاهای مستقل و بدست آوردن حقوق دمکراتیک ادامه دارد و آرام نخواهند گرفت.

در آبان ماه بار دیگر کارگران صنعت نفت و گاز به صحنه مبارزات آمده‌اند. در زیر به گلچینی از وقایع مبارزات کارگران در آبان ماه نظری می‌اندازیم:

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها ۱ آبان

کارکنان شرکت نفت فلات قاره در سکوی ابوزر، سکوی بهرگانسر، منطقه عملیاتی جزیره سیری و منطقه عملیاتی جزیره خارک در اعتراض به بی‌عدالتی‌های دولت و بی‌عملی‌های مسئولین و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، مجدداً تجمع اعتراضی برپا کردند و خواستار حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل شدند. این کارگران راس ساعت ۱۰ صبح دست از کار کشیده و با تجمع در مقابل دفتر فلات قاره و یا محوطه سکو و دیگر کارگرانی که به دلیل حساسیت کاری نمی‌توانند محل کار را ترک کنند در این ساعت از صندلی‌های خود برخاسته و با دست نوشته‌هایشان اعتراض خود را اعلام کرده و با دیگر همکارانشان اعلام همبستگی می‌کنند.

۲ آبان

کارگران اخراجی شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر مقابل ساختمان شرکت پایانه‌ها تجمع اعتراضی برگزار کردند. ۳۳ کارگر بومی منطقه از حدود یک ماه پیش از ورودشان به محل کار جلوگیری و اخراج شده‌اند. همچنین کارگران پروژه‌ای شرکت ثمین در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب زدند.

۳ آبان

بزودی انقلاب عظیم بهمن، ۴۵ ساله می‌شود در حالی که نه تنها خواسته‌های کارگران و زحمتکشان، این صاحبان واقعی و به انجام رساننده این انقلاب بزرگ، برآورده نشده است، که غاصبان انقلاب و طراحان سیاست‌های نتولیرالی و ضد کارگری، بسیاری از دستاوردهای انقلاب و مبارزات گذشته را پایمال و نابود کرده‌اند. قانون کار با تمامی ضعف‌هایش، نتیجه مبارزات کارگران در دهه بیست بود که بعد از انقلاب پرشور بهمن با بر طرف شدن ضعف‌هایش می‌توانست بر خواسته‌ها و مطالبات کارگران و مردم زحمتکش ایران مهر تأیید، و زندگی بهتر و شایسته‌تری را برای کارگران رقم زند. ولی هم‌اکنون نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بعد از گذشت تقریباً ۴۵ سال از انقلاب بهمن و گذشت تقریبی ۷۷ سال از تصویب اولین قانون کار، از سال ۶۹ تا کنون، یک به یک دستاوردهای کارگران را نابود و جهنمی را برای زحمتکشان بوجود آورده است. کارگران و زحمتکشان در حالی که فاقد تشکلات مستقل خود هستند تا بتوانند در برابر سرمایه‌داران و حکومتشان دفاع کنند. تا قادر باشند با قوانین و ضوابط ضد کارگری و ضد انسانی دست و پنجه نرم نمایند. قوانین و ضوابطی که یادآور دوران ننگین برده‌داری است که هر انسان آزاده‌ای از وجود آن‌ها شرم می‌کند. قوانین و ضوابطی که هر روز به بهانه‌ی حمایت از تولید، به‌ضرر کارگران بدتر و غیرانسانی‌تر می‌شود تا سودآوری سرمایه بیشتر شود. اینها همه در کشوری که انقلاب بزرگ بهمن با اعتصاب، مبارزه و تلاش کارگران به پیروزی رسید، مطالبات کارگران و زحمتکشان و انقلاب مردمی بهمن ۵۷ را در سالروز تصویب قانون کار!

به بی‌عدالتی‌ها، بی‌عملی‌ها و سکوت مسئولین خواب‌زده‌ی وزارتخانه همچون روزها و هفته‌های گذشته تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند.

۱۵ آبان

کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های شان مانند روزهای گذشته مقابل ساختمان شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت»

گروهی از کارگران شرکت آرمه‌نو شاغل در پتروشیمی چابهار در اعتراض به عدم پرداخت معوقات پنج ماهه خود در محل کار حاضر نشدند و با تجمع مقابل ورودی ضلع غربی شرکت و جلوگیری از ورود مهندسين به داخل شرکت دست به اعتصاب زدند. تعداد ۱۵۰ کارگر این شرکت ساختمانی مهندسی زیر شعبه پتروشیمی از خرداد سال جاری حقوق و معوقات دریافت نکرده و صبح روز جاری پس از ماه‌ها درخواست و عدم رسیدگی دست به اعتصاب زده و خواستار پرداخت حقوق ۵ ماه خود شدند.

۱۶ آبان

کارگران و پرسنل اخیرالاستخدام و کف بگیر اروندان، مناطق نفتخیز، زاگرس جنوبی، ملی حفاری، پالایشگاه دالان، نفت و گاز آغاچاری و نفت و گاز غرب (چشمه خوش) در اعتراض به رکود، بی‌عملی و نادیده گرفتن مطالبات بحق خود توسط مسئولین وزارت نفت، برای چندمین بار در محل کار خود دست به تجمعات اعتراضی زدند.

۲۱ آبان

کارکنان رسمی وزارت نفت در منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر، در اعتراض به ادغام صندوق نفت با دیگر صندوق‌ها تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. «صندوق را غارت کردند، ما را بیچاره کردند!»

جمعی از کارکنان ستادی شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب واقع در اهواز در اعتراض به دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت و مصوبه دولت برای ادغام صندوق‌های بازنشستگی دست به تجمع زدند. کارکنان رسمی نفت در سایت‌های مختلف از جمله نفت و گاز آغاچاری و فلات قاره، به محدودیت‌های مزدی و حقوقی خود اعتراض کردند.

۲۲ آبان

کارگران و پرسنل شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی سلمان، سکوی فروزان، در اعتراض به بی‌عدالتی‌های دولت و

شماری از کارگران روزمزد واحد خدمات پتروشیمی جم در عسلویه در استان بوشهر خواستار اجرای طرح تبدیل وضعیت استخدامی خود شدند. این کارگران که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری تامین نیرو در این مجتمع مشغول کارند، در توضیح مطالبات خود گفتند: حدود ۱۵۳ نفر از کارگران روزمزدی شاغل در پتروشیمی جم را کارگران واحد خدمات، تشکیل می‌دهند. آن‌ها همانند سایر همکاران روزمزدی خود که در بخش‌های تعمیرات و فنی مشغول کارند، به دلیلی ماهیت روزمزدی بودن قرارداد کار وضعیت شغلی مشخصی ندارند.

گروهی از پرسنل اقماری ارکان ثالث سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در اعتراض به حذف سهمیه پردازی پرسنل اقماری ارکان ثالث، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۸ آبان

کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به حقوق‌های نجومی مدیران و عدم پرداخت حقوق‌های معوقه و حق جذب، دست از کار کشیده و اعتصاب کرده و مقابل ورودی پتروشیمی تجمع کردند. کارگران اعتصابی خواستار استعفای «بجاری» مدیرعامل مجتمع شدند.

کارگران پروژه‌ای شرکت استیم در پتروشیمی اسلام آباد غرب دست به اعتصاب زدند. این کارگران که از تیرماه تاکنون حقوقشان به عقب افتاده و قرار بود شنبه گذشته حقوق بگیرند با این عهدشکنی دست به اعتصاب زدند.

کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوهایی «ایلام» و «بلال» در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌های شان دست به تجمع زدند. اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است: «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مزاد مالیات»

۹ آبان

کارکنان رسمی نفت شاغل در پایانه‌های نفتی خارک و ایلام در تلاش برای بازپس‌گیری حق و حقوق قانونی خود، مبنی بر حذف کامل سقف حقوق و پرداخت دستمزد طبق قوانین و همچنین حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و پرداخت طبق سابقه‌ی اشتغال و حقوق مکاتبه طی سال‌های متمادی (بعضاً تا ۴۵ سال خدمت)، مقابل ساختمان ادارات مرکزی پایانه نفتی خارک دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۴ آبان

کارگران و پرسنل شرکت نفت فلات قاره «منطقه‌ی سیری»، شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز، شرکت نفت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، شرکت نفت فلات قاره منطقه‌ی عملیاتی جزیره خارک بطور همزمان در اعتراض

سر در گریبانی مسئولان نفتی وزارتخانه دست به تجمع زدند. این کارکنان با محدودیت‌های مزدی مخالفند و خواستار پاسخگویی مسئولان به مطالبات خود هستند.

۲۴ آبان

کارگران ارکان ثالث شاغل در پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان منجمله پرداخت عادلانه و همسان حقوق، تخصیص نفت کارت، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل و حذف شرکت‌های پیمانکاری و تبدیل وضعیت به قرارداد مستقیم دست به تجمع زدند.

کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به محقق نشدن مطالبات قانونی خود، همچون روزهای گذشته مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۷ آبان

کارکنان قرارداد موقت وزارت نفت در اهواز و در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایشان مجدداً دست به تجمع زدند و خواستار پایان ۱۲ سال بلاتکلیفی و سرگردانی در قوانین کاری و کارمندی، تبدیل وضعیت به معین و اعمال کامل و بی‌قید و شرط مصوبه ساماندهی دی ماه ۱۴۰۰ شدند. اهم خواسته‌های نیروهای قراردادی موقت شامل تبدیل وضعیت، اجرای کامل مصوبات ۱۴۰۰، اصلاح فرمول پاداش طبق مدل پرسنل رسمی و قرارداد معین، اصلاح نرخ اضافه‌کاری، بهره‌مندی از عیدی طبق رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و ... می‌باشد که تاکنون رسیدگی برای تحقق این خواسته‌ها صورت نگرفته است.

۳۰ آبان

کارگران شاغل و بازنشسته شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز، کارگران شرکت نفت فلات قاره، کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز، کارگران اخیرالاستخدام و دیگر کارگران و کارکنان نفت و گاز در تمامی قسمت‌ها در تمام روزهای مه آبان در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات برحق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. از اهم مطالبات کارگران: «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک-پی و عدم ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوق‌های ورشکسته» می‌باشد.

کادر درمان و بهداشت

۱۳ آبان

پرستاران و کادر درمانی بیمارستان امام خمینی در شهر ارومیه در اعتراض به وضعیت معیشتی نامناسب و بی‌توجهی مسئولان و پرداخت نشدن بستانکاری‌ها و سایر مطالبات و همچنین تعرفه‌گذاریها در حقوق دریافتی خود دست به تجمع اعتراضی

زدند و خواهان رسیدگی به معضلات صنفی و معیشتی خود و همکارانشان شدند.

۱۴ آبان

پرستاران، کارکنان درمانی و دانشجویان پزشکی بیمارستان امام ارومیه در اعتراض به پرداخت نشدن بستانکاری‌ها و سایر مطالبات و همچنین نوع تعرفه‌گذاریها در حقوق دریافتی و عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی‌شان برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

۲۰ آبان

پرستاران بیمارستان شهدای تجریش تهران در اعتراض به دریافتی‌های غیر عادلانه‌ی تعرفه و اضافه‌کار اجباری در محوطه بیمارستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این پرستاران، تعرفه‌های ناعادلانه و اضافه‌کار اجباری را دلیل اصلی اعتراض خود عنوان کردند و گفتند: برای هر ۱۵۰ ساعت اضافه‌کار باید یک حقوق کامل به پرستاران پرداخت شود؛ نظام تعرفه‌گذاری پرستاری نیز نیازمند اصلاحات جدی‌ست.

گروهی از پرستاران و کادر درمان شهر اراک در اعتراض به حقوق ضایع شده خود و همکارانشان مقابل درب استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. پرستار داد بزن، حق‌تو فریاد بزن!

۲۱ آبان

گروهی از پرستاران کاشان و آران و بیدگل در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی کاشان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۷ آبان

گروهی از پرستاران در شهرهای کرمانشاه، یزد، اسلام آباد غرب و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

پرستاران معترض خواستار "اصلاح تعرفه‌های پرستاری و افزایش کارانه و دستمزد و پرداخت معوقات خود" شدند.

۲۸ آبان

گروهی از پرستاران گیلان با تجمع مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی این استان نسبت به وضعیت اسفبار معیشت و شرایط طاقت فرسای کار تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار پرداخت معوقات مزدی و بهبود وضعیت معیشتی خود شدند. پرستاران می‌گویند: خواستار اجرای فوق‌العاده خاص و بهبود واقعی معیشت پرستاران هستیم ضمن اینکه ماه‌ها معوقات مزدی پرداخت نشده داریم.

۲۹ آبان

پرستاران بیمارستان اکثر بخش‌های بیمارستان توحید سنندج (به جز بخش‌های مراقبت‌های ویژه) نسبت به وضعیت بد معیشتی و عدم پرداخت تعرفه سال ۱۴۰۱ اعتراض در محوطه بیمارستان دست به اعتراض زدند.

۳۰ آبان

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان خمینی صومعه سرا در

خصوص اجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری.

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان بعثت سندج در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار، حقوق های ناچیز، معوقات و تبعیض در پرداخت کارانه و تعرفه های پرستاری

فرهنگیان

۹ آبان

جعفر ابراهیمی معلم زندانی که از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است، به مرخصی به خاطر بیماری و نیاز به درمان خارج از زندان، با توجه به نامه پزشکی قانونی به مرخصی درمانی آمد. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز نگرانی بابت سلامتی جعفر ابراهیمی و همچنین دیگر زندانیان و بطور مشخص سه عضو زندانی خود، رضا شهبایی، حسن سعیدی و داود رضوی، خواهان پایان دادن به این اعمال سرکوبگرانه توسط حاکمیت و آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی و زندانیان سیاسی شد.

۱۱ آبان گروهی از معلمان خرید خدمات و فرهنگیان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی در محل سخنرانی وزیر آموزش و پرورش در اصفهان، دست به تجمع اعتراضی زدند و در باره ضرورت روشن شدن آینده شغلی خود مطالبه گری کردند.

۲۲ آبان

حسین تاج و رامین صفرنیا وکلای اسماعیل عبدی اعلام کردند، پس از گذشت حدود هشت سال و نیم از اجرای دو حکم پیاپی زندان (۵ سال حکم قبلی و ۳.۵ سال از حکم دوم) برای اسماعیل عبدی، قاضی مظلوم ریاست شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران با آزادی او با تودیع وثیقه تا پایان زمان دادرسی و صدور رای موافقت کرد.

۲۲ آبان

معلمان خرید خدمات شهرهای اصفهان و رفسنجان در اعتراض به شرایط اسفناک معیشتی «عدم دریافت حقوق کامل سال قبل، نداشتن بیمه، نداشتن قرارداد دائم و مشخص، عدم دریافت حقوق در سال جاری»، دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازنشستگان

۱ آبان

جمعی از بازنشستگان مخابرات در بعضی از شهرهای استان های فارس، سیستان و بلوچستان، تهران، اردبیل، آذربایجان غربی، اصفهان، مرکزی، ایلام، گیلان، خوزستان، لرستان، قزوین، مازندران، همدان، کرمانشاه، کرمان، زنجان، هرمزگان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات استان های مربوطه در مراکز استان ها، تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات دو شنبه هر هفته برگزار می شود.

۲۲ آبان

گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری در شهرهای ایلام، اهواز، کرمانشاه، همدان، قزوین، سندج و ... مطابق تجمعات هر هفته سه شنبه های اعتراضی مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان در شهرهای خود بطور همزمان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات سه شنبه هر هفته برگزار می شود.

۷ آبان

گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اراک، کرمانشاه، دزفول، شوش، سندج، اهواز و ... در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان مجدداً مقابل ساختمان تأمین اجتماعی در شهرهای خود و در شهر شوش مقابل ساختمان فرمانداری این شهر، تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. این تجمعات یکشنبه هر هفته برگزار می شود.

جمعی از بازنشستگان صنایع فولادی در اعتراض به مستمری زیر خط فقر، عدم اجرای آیین نامه و قوانین خاص فولادی، عدم اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین نامه فولاد، در شهرهای سوادکوه، اهواز، تهران، اصفهان و رودبار، مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. بازنشستگان خواستار افزایش حقوق ماهانه بر اساس خط فقر و اصول قانونی هستند و می گویند باید همسان سازی با بودجه مناسب و بصورت کامل پرداخت شود. این تجمعات یکشنبه هر هفته برگزار می شود.

۱۷ آبان

بازنشستگان و بازمندگان صنعت نفت اهواز در اعتراض به دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت برای سومین روز متوالی مقابل صندوق بازنشستگی صنعت نفت غرب دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار ابطال مصوبه دولت برای ادغام صندوق های بازنشستگی شدند.

۲۰ آبان

تجمع اعتراضی کارکنان شاغل و بازنشسته صنعت نفت استانهای تهران، مازندران، البرز، اصفهان و خوزستان در اعتراض به ادغام صندوق های بازنشستگی صنعت نفت در صندوق های تأمین اجتماعی و پرداخت نشدن حق و حقوق قانونی گذشته خود بطور همزمان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۹ آبان

جمعی از بازنشستگان مخابرات در شهرهای بروجرد، ارومیه، ساری، خرم آباد، شیراز، بیجار، تبریز، میوان، بندرعباس، رشت، زاهدان، زنجان، اردبیل، تهران، اصفهان، کرمانشاه و ... در اعتراض به عدم اجرای آیین نامه و عدم پرداخت مطالبات قانونی خود بطور همزمان تجمع اعتراضی برگزار کردند. «وعده وعید کافیه / سفره ما خالیه!»

گروهی از بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی در شهرهای



آیا طرح استخراج گاز دلیل سلاخی مردم غزه است؟

مقاله‌ای از هفته نامه پروتر، ارگان مرکزی حزب کمونیست
سوئد شماره ۴۶ نوامبر ۲۳

در برنامه‌های اسرائیل برای تبدیل کشور به یک قدرت نفتی
مانعی وجود دارد بنام **غزه**. و اتفاقاً **غزه** در میانه نقشه‌های
پروژه‌های جدید نفت و گاز قرار دارد. آیا دلیل سلاخی غزه
چنین پروژه‌ای است؟

وزیر انرژی اسرائیل، اسرائیل کاتز در تابسان امسال در رابطه با
برنامه‌های خود برای توسعه صنعت گاز طبیعی در این کشور با
هدف افزایش دو برابری تولید در سال‌های آینده رونمایی کرد
و آن را اعلام نمود.

وی گفت این فرصت خوبی است و ما اکنون این فرصت را
داریم که موقعیت سیاسی اسرائیل را در منطقه و جهان تقویت
کنیم و در عین حال درآمدهای مالی زیادی را برای اقتصاد
اسرائیل تضمین و ثبات اقتصادی را برای چند دهه آینده
تضمین نماییم.

در ۲۹ اکتبر، در حالی که بمب‌ها بر سر مردم غزه می‌بارید،
شش شرکت گاز طبیعی چند ملیتی در اسرائیل بودند و حقوق
بهره‌برداری از ذخایر گاز طبیعی را امضا کردند. جنگ اسرائیل
علیه غزه توسط ایدئولوژی نژادپرستانه هدایت می‌شود، اما
پشت سر این داستان افراد بی‌رحمی قرار دارند. بمباران‌ها و
تمایل به پودر کردن کامل مقاومت فلسطینی‌ها، انگیزه‌های
اقتصادی را نیز پنهان می‌کند. اسرائیل در تلاش جدید برای
قدرت نفت، غزه و سازمان حماس را سد راه خود می‌بیند.

تهران، یزد، ممسنی، اردبیل، ایلام، اهواز، کرمانشاه و ... در تجمع
سراسری اعتراضی شرکت کردند. بازنشستگان حاضر در مقابل
وزارت کار اطلاع‌رسانی کردند که اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته
که مدتی است از زندان اوین آزاد شده است، مجدداً بازداشت شد.

کارگران دیگر ۳ آبان

کارگران کارخانه «تکدانه» مرنند، در اعتراض به عدم اجرای طرح
طبقه‌بندی مشاغل که الزام مواد ۴۸ تا ۵۰ قانون کار است، و خلف
وعده مسئولان تجمع اعتراضی برگزار کردند. گفتنی است، اجرای
طرح طبقه‌بندی مشاغل برای کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر الزامی است.

۴ آبان

شماری از کارگران مجموعه شهرداری ایرانشهر در استان سیستان
و بلوچستان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد، عیدی و
سنوات از بدو شروع به کار، مقابل ساختمان شهرداری تجمع
اعتراضی برپا کردند.

۲۲ آبان

کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای سومین روز متوالی با اعتصاب
چند ساعته در محل شرکت، مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند.
از مهمترین خواسته‌های کارگران، «همسان‌سازی حقوق مطابق
دریافتی شرکتهای مشابه، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل و
بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی معترض» می‌باشد. طی
روزهای گذشته اعتراضات کارکنان ادامه داشته است.

بدنبال کارشکنی مدیرعامل گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اجرای
طرح طبقه‌بندی مشاغل و بی‌پاسخ ماندن برخی مطالبات دیگر، شمار
زیادی از کارگران شاغل در بخش‌های مختلف شرکت با توقف
خطوط تولید، مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند. کارگران با
توجه به خلف وعده مدیریت روز چهارشنبه ۱۷ آبان در یک تصمیم
جمعی از رفتن به سالن‌های غذاخوری خودداری کرده هر دو شیفت
صبح و عصر اعتصاب غذا نموده و به‌رستوران شرکت نرفتند. «ما
کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد / می‌جنگیم می‌جنگیم!»

همانطور ملاحظه می‌کنید گزارشات کارگری حاکی است مبارزه
کارگران با اتحاد و پیگیری علیه سرمایه‌داران ادامه دارد، آنهم در
شرایطی که دشمنان رنگارنگ در لباس دوست با شعارهای نابجا
و بی‌موقع و در موارد بسیاری خطا و دشمن شاد کن به‌سمپاشی
مشغولند و چوب لای چرخ مبارزه ما می‌گذارند.

کارگران ایران همواره در منطقه و جهان به‌روحيات انترناسیونالیستی
و نوعدوستی معروف و زبازند بوده‌اند و هم‌اکنون نیز در زمانی که
کارگران و زحمتکشان فلسطینی در مقابل دشمن جنایتکار در رزمی
بی‌امان قرار دارند خلق فلسطین را تنها نخواهد گذاشت و دشمنان،
فربخوردگان و ناآگاهانی را که سعی در ایجاد شکاف بین خلق
قهرمان فلسطین و طبقه کارگر ایران را دارند، از میان صفوف خود
خواهد راند و از مبارزات آزادی بخش خلق فلسطین همچون گذشته
دفاع خواهند نمود.

**زنده باد وحدت خلق ایران و فلسطین علیه صهیونیسم
و امپریالیسم!***

به میدان تامار، یکی از نزدیکترین میداین گازی اسرائیل به غزه ارسال کرده است. با حمله حماس در ۷ اکتبر، میدان تامار به دلیل خطر حملات تعطیل شده است و تخمین زده می‌شود که برای اسرائیل ۲۰۰ میلیون دلار در ماه درآمد داشته باشد. به همین دلیل که قبلاً ذکر شد قرارداد لوله های گاز بین مصر و اسرائیل که از زیر آب در خارج و در امتداد سواحل غزه عبور می‌کند منعقد شده است. این گاز در حال حاضر از طریق اردن به سمت مصر منحرف می‌شود که عوارض بیشتری برای اسرائیل ایجاد می‌کند.

حماس و غزه نه تنها خاری در چشم برنامه‌های گازی اسرائیل هستند، بلکه در مسیر خط لوله جدید نفتی قرار دارند که توسط اسرائیل و امارات متحده عربی طراحی شده است. توافق تجاری بین آنها اولین توافق اسرائیل با یک کشور عربی. کشور نفتی است می‌خواهد اقتصاد خود را متنوع کند و صدها شرکت فناوری اسرائیلی در دو سال گذشته خود را در این کشور تاسیس کرده‌اند. امارات متحده عربی نیز به نوبه خود در صنعت گاز اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده است. و از جمله مالک ۲۲ درصد میدان فوق الذکر تامار است.

خط لوله برنامه‌ریزی شده از شهر ساحلی اسرائیل Eilat در دریای سرخ اجرا می‌شود و نزدیکترین مسیر را به دریای مدیترانه طی می‌کند و در آنجا به شهر عسقلون واقع در کمتر از ۱۵ کیلومتری شمال غزه ختم می‌شود. نفت امارات در آنجا خواهد بود. بارگیری مجدد بر روی تانکرها برای حمل و نقل بیشتر به اروپا. هنگامی که این پروژه تکمیل شود، کارآمدترین مسیر حمل و نقل نفت از کشورهای خلیج به اروپا خواهد بود و از این رو مصر می‌ترسد که منبع اصلی درآمد کانال سوئز به طور کامل توسط تانکرهای نفتی تصاحب شود.

اقتصاد اسرائیل در حال تحول و در جهت تبدیل شدن به یک کشور مهم استراتژیک نفت و گاز طبیعی است، اما زیرساخت‌هایی که صنعت جدید به آن نیاز دارد، نسبت به تحقیقات با فناوری پیشرفته که تا کنون اقتصاد را به پیش برده است، در برابر خرابکاری و ناآرامیهای این منطقه آسیب‌پذیرتر است. در مسیر زیرساخت‌های جدید و مهم این پروژه، **غزه** قرار دارد. آیا همین دلیلی است بر حمله تهاجمی‌تر و بی‌رحمانه‌تر قوای اشغالگر علیه غزه در خلال ماه اخیر؟*

یک‌دهه پیش، اسرائیل برای تأمین انرژی خود به واردات نفت و زغال سنگ وابسته بود. روابط بد با همسایگان عرب خود، آن را به یک تاریخ گران تبدیل کرده است.

اما پس از کشف ذخایر بزرگ گاز در شرق مدیترانه، شرایط تغییر کرده است. اکنون اسرائیل در راه تبدیل شدن به یک تولیدکننده گاز طبیعی و شریک مهم در تأمین انرژی آینده اروپا است. اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا در هنگام همکاری سه‌جانبه مصر، اسرائیل و اتحادیه اروپا نوشت، ما برای تأمین پایدار گاز اتحادیه اروپا از منطقه مدیترانه شرقی کار خواهیم کرد. این به‌امنیت انرژی اروپا کمک خواهد کرد. این قرارداد در تابستان ۲۰۲۲ امضا شد، پس از اینکه تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه منجر به بحران انرژی گردید.

این توافق به این معنی است که گاز اسرائیل از طریق خطوط لوله به مصر می‌رود و در آنجا به اصطلاح به LNG تبدیل می‌شود (پس از مخفف انگلیسی گاز طبیعی مایع، Liquefied Natural Gas) در حالت مایع، گاز فضای کمتری را اشغال میکند و کارایی بیشتری دارد. سپس با تانکرهای مخصوص به پایانه‌های اروپا منتقل می‌شود که در آنجا فرآیند معکوس انجام می‌گیرد و سپس از طریق خطوط لوله در سراسر قاره اروپا توزیع می‌شود.

اسرائیل قبلاً از نظر منابع طبیعی غنی نبوده است. بدون حمایت مالی تاریخی ایالات متحده امکان توسعه نداشته است. طبق گزارش USAID کمک آمریکا به ارزش پولی امروزی ۳۱۸ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۲ به اقتصاد اسرائیل تزریق شد که بدون این کمک امکان توسعه به‌سختی صورت می‌گرفت. صادرات اصلی این کشور صدور کالاهای خدماتی و تکنولوژی سطح بالایی است. پس از دره سیلیکون کالیفرنیا، «سیلیکون وادی» در اسرائیل به‌عنوان دومین مرکز بزرگ فناوری جهان در نظر گرفته می‌شود. در سال ۲۰۰۹، ذخایر گاز در سواحل اسرائیل و غزه کشف شد. ارزش این ذخایر گازی به ۵۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

اسرائیل مدتی است ترکیب انرژی خود را تغییر داده و شروع به استفاده بیشتر و بیشتر از گاز طبیعی در تأمین انرژی خود کرده است. ده سال پس از شروع استخراج گاز، آنها از یک واردکننده به یک صادرکننده تبدیل شدند و خط لوله گاز EMG میان مصر و اسرائیل می‌گذرد و مسیر جریان را تغییر داد. از اینکه یک خط لوله وارداتی برای گاز مصر به اسرائیل بود، به خط لوله صادراتی گاز اسرائیل به مصر تبدیل شد. از سال ۲۰۱۹، منابع گاز اضافی کشف شد و تولید گاز اسرائیل از آن زمان تاکنون بیش از دو برابر شده است. یک خط لوله دیگر کافی نیست - در ماه مه ۲۰۲۳، طرح‌هایی برای پروژه خط لوله جدید بین اسرائیل و مصر راه‌اندازی شد.

اما در میان نقشه‌های آینده اسرائیل به‌عنوان یک صادرکننده گاز با نفوذ، مشکلی برای اسرائیل وجود دارد: **نوار غزه**. حماس چندین بار به خطوط لوله حمله کرده و موشک‌هایی را

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

ریختن خون‌های ما داده شده، اکنون مرتکب نسل کشی فرزندان ملت ما در فلسطین می‌شود. درباره کدامین حق حرف می‌زنید؟»
در جانب دیگر، پای یک نامه از سوی هنرمندان آمریکایی خطاب به بایدن، نام ۵۵ هنرپیشه تراز بالای هالیوودی دیده می‌شود؛ نام‌هایی چون **سوزان ساراندون، کیت بلانشت، واکین فونیکس، کریستین استوارت، ماهرشالا علی، چینیگ تاتوم، مارک روفالو، اسکار ایزاک، اندرو گارفیلد و جسیکا چستن**. آنها با آنکه صراحتی در محکوم کردن اسرائیل نداشتند، خواستار توقف جنگ شده‌اند و از ویرانی‌ها و قطع امکانات اولیه زندگی در غزه نوشته‌اند. هنرمندان دیگری چون میریام مارگولیز، تیلدا سویتون، چارلز دنس، پیتر مولان، استیو کوگان و... نیز از جمله امضاکندگانی نام ۲۰۰۰ نفر از ستاره‌های ادبیات، بازیگری و... انگلیسند و بیان کرده‌اند:

«غزه در حال حاضر جامعه پناهندگان و فرزندان پناهندگان است. اکنون در میان صدها هزار نفر که از هوا، دریا و زمین بمباران شده‌اند، به فلسطینی‌هایی که پدربزرگ و مادر بزرگشان با لوله تفنگ مجبور به ترک خانه‌هایشان شده بودند، دوباره گفته می‌شود که یا فرار کنند یا با مجازات دسته‌جمعی در مقیاسی غیرقابل تصور مواجه خواهند شد. آنها از حقوقشان محروم هستند و وزیر دفاع اسرائیل آنها را «حیوانات انسانی» توصیف می‌کند، به افرادی بدل شده‌اند که صهیونیست‌ها به خودشان اجازه می‌دهند تقریباً هر بلایی سرشان بیاورند. دولت‌های ما نه تنها جنایات جنگی را تحمل، بلکه به آنها کمک می‌کنند. زمانی فرا می‌رسد که آنها هم به‌خاطر همدستی خود پاسخگو خواهند بود». این هنرمندان بر کمک‌رسانی دارویی و آب و غذایی به غزه تأکید کرده‌اند و خواستار آتش‌بس فوری و باز شدن گذرگاه‌های غزه شدند؛ کسانی چون ماکسین پیک و خالد ابدا، کارگردانی چون مایکل وینترباتوم، مایک لی و آصف کاپادیا، کم‌دین‌هایی نظیر فرانکی بویل و جوزی لانگ، نویسندگانی همانند مارینا وارنر، ژاکلین رز، جیلیان اسلوو و کورتیا نیولند، نمایشنامه‌نویسانی از جمله تانیکا گوتا و ایمی اسپان، شاعر آنتونی آناکساگورو، همچنین شماری از هنرمندان تجسمی انگلیس. دربخش دیگری، موضع‌گیری «مارک روفالو» نیز که با بازی در نقش کاراکتر «هالک» شناخته می‌شود، جلب توجه می‌کند.
او نوشته: «وقایع غم‌انگیزی در اسرائیل و غزه در حال رخ دادن است و من در غم و اندوه ناگفته و رنج از دست دادن زندگی و عزیزان هستم. این خشونت و وحشتناک باید پایان یابد. بدیهی است که من هیچ پاسخی ندارم اما احساس می‌کنم کاملاً ضروری است که بر وجود و واقعیت مشترک انسانی خود تمرکز کنیم. امیدواریم انسانیت به التیام زخم‌های غیرقابل‌تصور تفرقه کمک کند». او هم از کسانی است که مشکلات به‌وجود آمده در شهرهای تحت اشغال را با جنایات گسترده اسرائیل در غزه در کفه‌های برابر قرار داده است.

حمایت‌های دیگر هنرمندان البته کم نبوده: ری‌زاحمد، بازیگر عرب‌تبار هالیوود در گفت‌وگوهای اختصاصی با شبکه‌های پربیننده تلویزیونی، تلاش کرد تا صدای مردم رنج‌کشیده غزه باشد و از محدودیت‌هایی که بر آنها اعمال می‌شود پرده بردارد و افکار عمومی را در جریان آنها بگذارد؛ همچنین نانسی عجرم که در حسابش در شبکه ایکس نوشته: «**خداوند، از فلسطین و لبنان محافظت کن، ما شایسته زندگی در صلح در سرزمین خودمان هستیم**» و جی جی حدید، مدل فلسطینی تبار که همدردی و اندوه عمیقش را در باره مردمی که تحت اشغال زندگی می‌کنند با این کلمات بیان کرده که «من احساس همدردی عمیقی با مردم فلسطینی دارم که زیر سایه اشغال زندگی می‌کنند، این وظیفه‌ای است که هر روز آن را احساس می‌کنم. هر انسانی حق دارد با احترام و امنیت زندگی کند، بدون توجه به ملیت، نژاد یا مذهبش. می‌دانم حرف‌هایم هرگز دردها را التیام نمی‌بخشد اما همیشه برای امنیت و صلح انسان‌های بی‌گناه، دعا می‌کنم»
نیز از همین شمارند...

زنده باد همبستگی با خلق دلاور فلسطین!*



هنرمندان مشهور جهان در همبستگی و حمایت از خلق فلسطین

راجروترز، خواننده گروه پینک فلوید، پرچم فلسطین را در کنسرت خود به‌اهتزاز در آورد.

جنایات رژیم وحشی و کودک‌کش صهیونیستی، این روزها به فجیع‌ترین حالت ممکن خود رسیده و روزانه انبوهی از زنان و کودکان بی‌دفاع و بی‌گناه در اثر حملات بربرانه این رژیم سفاک، جان خود را از دست می‌دهند. بمباران بیمارستان المعمدانی غزه که بر اثر آن، بیش از ۱۵۰۰ کودک، زن و مرد بی‌پناه جانباخته‌اند یکی از فجیع‌ترین کشتاری است که در صد سال اخیر رخ داده است.

در این بزنگاه‌های مهم تاریخی است که کمترین وظیفه هر انسان آزاده، اعلام انزجار از جنایات رژیم جعلی، صهیونیستی و استعماری و همبستگی با مردم غزه است. از زمان آغاز بمباران ضد بشری غزه بسیاری از شخصیت‌های تاثیرگذار در زمینه‌های مختلف به‌خصوص هنر در سراسر جهان، از مردم فلسطین به‌دفاع برخاسته و رژیم کودک‌کش و صهیونیست اسرائیل را محکوم کردند.

جورج کلونی، بازیگر مشهور سینما هم که همسری لبنانی دارد، صدایش را برای دفاع از مردم غزه بلند کرد و هانی ابواسعد، فیلمساز تحسین‌شده فلسطینی مقیم هلند نیز که سالیان طولانی است رنج دوری از سرزمین مادری‌اش را تحمل می‌کند، می‌گوید هنر بدون سیاست و محکوم کردن ظلم و ستم بی‌معناست و بزرگ‌ترین آرزوی او را زندگی در خاورمیانه عاری از رژیم‌های چون اسرائیل بیان می‌کند. وی ادامه داد: «ماهیت اسرائیل موجب شرمساری یهودی‌هاست و اگر با این موضوع مخالفت، باید تحت هر شرایطی این مسأله را تغییر دهند»

آنجلینا جولی، بازیگر سرشناس هالیوودی در پستی در صفحه شخصی‌اش زیر تصویری از ویرانی‌های غزه نوشت: «غزه در ۲ دهه گذشته، یک «زندانی باز» بوده و حالا به‌سرعت در حال تبدیل شدن به یک گور دسته‌جمعی است. ۴۰ درصد از کشته‌شدگان کودکان بی‌گناه هستند، خانواده‌ها و کل جمعیت در حال کشته شدن هستند و جهان فقط نظاره‌گر است. وی تأکید کرده که رهبران جهان با امتناع از درخواست آتش‌بس بشردوستانه و ممانعت از تحمیل آتش‌بس از سوی شورای امنیت سازمان ملل، در این جنایات‌ها شریک هستند.» جولیا پطرس، خواننده مسیحی لبنانی حامی جبهه مقاومت نیز یادداشتی نوشت و ابراز کرد:

«اسرائیل که به این سرزمین و ناموس تجاوز کرده و تاریخ سیاهش را روی قتل و آواره‌سازی و ترور بنا کرده، دشمنی که در دهه‌های گذشته به او حق

چند نکته پیرامون سخنرانی حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان

حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان دیروز جمعه ۱۲ آبان در اولین سخنرانی خود از زمان حمله کوبنده طوفان الاقصی در هفتم اکتبر به مناطق شهرک نشین اشغالی اسرائیل و متعاقب آن حملات تلافی جویانه و جنون آمیز اسرائیل گفت که تنها راه جلوگیری از جنگ بزرگ منطقه‌ای، توقف حملات وحشیانه اسرائیل به غزه است به برخی از مهمترین نکات این سخنرانی اشاره می‌کنیم: **یکم:** برخلاف پیش‌بینی‌های رسانه‌های غربی و برخی از شخصیت‌ها و تحلیل‌گران سیاسی که بر این تصور بودند که حسن نصرالله با شکلی از اعلام جنگ رسمی علیه اسرائیل و آمریکا نفس‌ها را در سینه حبس خواهد کرد، بدون هیجان سیاسی با توجه به توازن قوا در شرایط کنونی، هوشمندانه و صراحتاً تأکید کرد که عملیات "طوفان الاقصی" در ۷ اکتبر از سوی سازمان مقاومت فلسطینی حماس؛ یک عملیات کاملاً "فلسطینی" بوده که حتی بسیاری از شاخه‌ها و محورهای جریان مقاومت در منطقه نیز، از آن بی‌اطلاع بوده‌اند. در همین رابطه نصرالله تأکید کرد که "مخفی بودن مطلق عملیات" و انحصار آن در دست شاخه‌ی فلسطینی مقاومت؛ از عمده دلایل موفقیت آن بوده است. وی تأکید بر اینکه حتی "حزب الله لبنان" و دیگر شاخه‌های مقاومت نیز از عملیات طوفان الاقصی بی‌اطلاع بوده‌اند؛ از رمز موفقیت این عملیات که ارکان نظام صهیونیستی اسرائیل را به لرزه در آورد تشریح کرد.

تشریح کرد که جنبش مقاومت فلسطینی حماس به تنهایی توانایی و قدرت لازم برای اجرای عملیاتی در حد و اندازه‌ی "طوفان الاقصی" را داشته است و اسرائیلی‌ها باید از توان واقعی این جنبش مقاومت که از حمایت سازمان‌ها و احزاب فلسطینی و مردم فلسطین برخوردار است، آگاه باشند. **دوم:** برخلاف برخی خبرسازهای مقامات و رسانه‌های ضد ایرانی، بی‌بی‌سی، منو تو و ایران اینترناشنال و صدای آمریکا و دویچه آلمان و رادیو فرانسه



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

و رادیو فردا و صدای آمریکا... که کوشیدند ایران را کارگردان اصلی این حمله تبلیغ کنند؛ با توجه به تأکید حسن نصرالله نه تنها رژیم ایران بلکه حتا بسیاری از شاخه‌های جنبش مقاومت غرب آسیا نیز از فرایند برنامه‌ریزی و اجرای عملیات طوفان الاقصی، بی‌اطلاع بوده‌اند. این تبلیغات در جهت انحراف اصلی مسئله فلسطین بعنوان یک جنبش «غیر مستقل» و تحریک افکار عمومی و جنگ روانی علیه ایران سوق داده شد، اما با شکست روبرو گردید. وی بدرستی تأکید کرد تصمیم‌گیرندگان واقعی، رهبران و رزمندگان مقاومت فلسطین بودند. ایران از گروه‌های مقاومت فلسطین حمایت می‌کند؛ اما بر گروه‌های مقاومت اعمال قیومیت نمی‌کند و نبرد طوفان الاقصی این حقیقت را تأیید کرد. **سوم:** حسن نصرالله در باره‌ی گمانه‌زنی‌های بسیاری مبنی بر این که همزمان با سخنرانی او؛ جنبش حزب الله لبنان وارد جنگ با اسرائیل خواهد شد. گفت «برخی می‌گفتند سید امروز میخواهد اعلام کند که حزب الله وارد جنگ می‌شود، ما از ۱۷ مهر (۸ اکتبر) وارد نبرد شده‌ایم. ما ۳ هفته است که وارد جنگ شدیم. البته ما هم مثل همه دنیا روز شنبه متوجه عملیات طوفان الاقصی شدیم». نصرالله تأکید کرد که مقاومت لبنان در کنار مقاومت فلسطین در غزه؛ با اسرائیلی‌ها وارد جنگ شده است وی پیش از این مبنی بر اینکه «اگر ارتش اسرائیل حمله زمینی را آغاز کند وارد خاک غزه شود ما نیز وارد عمل خواهیم شد» سخن زیادی نگفت. اما در همین حد نیز مقاومت لبنان همچنان بخش بزرگی از توان اطلاعاتی، نظامی و ماشین جنگی اشغالگران را در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی؛ معطل تصمیمات و اقدامات آتی خود نگاه داشته و از باریکه غزه دور نگاه خواهد داشت، اقدامات مهمی است که صورت گرفته و در حال انجام است. نصرالله تأکید کرد که «همه احتمالات در جبهه لبنانی باز است و همه گزینه‌ها روی میز است و ما می‌توانیم در هر زمانی به آنها متوسل شویم... با ناوهای که در مدیترانه ما را تهدید می‌کنند ما نیز برای آنها برنامه داریم و ترسی از آنها نداریم... ممکن است ما وارد جنگ کامل شویم، دشمن باید این را در محاسبه‌های خود وارد کند»

حسن نصرالله در سخنرانی خود اشاره‌ای نیز به تاریخ حضور آمریکایی‌ها در منطقه کرده و گفت: «آمریکایی‌ها، شکست‌های خود را در عراق و لبنان و خروج تحقیرآمیز خود از افغانستان را به‌خاطر بسپارند، کسانی که در اوایل دهه هشتاد در لبنان شما را شکست دادند، هنوز زنده‌اند و فرزندان و نوه هایشان با آنها هستند» بطور خلاصه می‌توان گفت حسن نصرالله در این سخنرانی با توجه به اوضاع بحرانی داخلی لبنان، با توجه به توازن قوای منطقه‌ای و جهانی از هر گونه اقدام عجولانه‌ای پرهیز کرد؛ تلاش نمود فشار افکار عمومی جهان را علیه جنایات اشغالگران اسرائیلی بویژه در ممالک عربی علیه مردم غزه را افزایش دهد و ضمن دفاع از مبارزه مردم فلسطین شرایط ذهنی و مادی برای تحرک گسترده‌تر را در آینده بویژه در میان ممالک عربی فراهم آورد.*



«افزایش سن بازنشستگی در ایران و اظهارات پیرامون آن»

یکی از مهم‌ترین مسائل امروز ایران که بحث‌های فراوانی در محافل و جوامع کارگری در پی داشته لایحه پیشنهادی دولت برای افزایش سن بازنشستگی است. تصمیمی که در صورت اجرایی شدن، تأثیرات قابل توجهی بر زندگی اجتماعی ایرانیان خواهد گذاشت. در این نوشتار سعی داریم نگاهی کلی بر این فرایند بیاندازیم و ارزیابی نسبی به دست دهیم. بنا بر اخبار منتشره در رسانه‌های رسمی، دولت تصمیم دارد تا توجه افزایش میانگین شاخص امید به زندگی و اینکه صندوق‌های بازنشستگی قادر نیستند منابع لازم را برای پرداخت حقوق بازنشستگی به دلیل این افزایش تأمین نمایند سنوات لازم برای بازنشستگی را تا ۳۵ سال افزایش دهد. البته برای اجرای این قانون فرآیندی پله کانی در نظر گرفته شده تا افرادی که در شرف بازنشستگی هستند به نوعی درگیر تبعات این تصمیم نشوند یا بر اساس سنوات کارکرد کمتر مورد تأثیر قرار گیرند. ظاهراً مخالفان لایحه با مستمرک قرار دادن حداقل سن ۶۲ سال لازم برای بازنشستگی با سنوات کمتر از ۳۵ سال سعی داشتند ادعای افزایش ۱۲ ساله را مطرح کنند که با کمی تدقیق بی اساس بودن ادعا روشن می‌گردد. در قانون قبلی هر مرد که ۳۰ سال سنوات کارکرد داشت و به سن ۵۰ سال می‌رسید از حقوق بازنشستگی کامل برخوردار میشد در صورتی که قانون جدید تنها سنوات لازم را به ۳۵ سال رسانده. به این ترتیب باید گفت ۵ سال کار اضافه لازم است تا شخص ذکور بازنشسته شود و مطرح کردن عدد ۱۲ نوعی مغالطه است. لازم به یاد آوری است که زنها چه در قانون قبل و چه قانون جدید با یک اختلاف ۵ ساله در همه موارد از مردها زودتر بازنشسته می‌شوند. فارغ از اینکه آیا ادعای دولت در مورد دلایل ناتوانی صندوق‌های بازنشستگی مورد دفاع است یا نه و آیا این ناتوانی

می‌تواند از عوامل دیگری از جمله فساد موجود در شرکت‌های زیر مجموعه این صندوق‌ها و دست اندازی مدیران انتصابی نهادهای قدرت در راس آنها باشد باید گفت حتا در قانون جدید اختلاف فاحشی با بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای صنعتی از لحاظ سن بازنشستگی وجود دارد. به نحوی که در کشورهایی همچون سوئد و دانمارک و نروژ و آلمان، ژاپن... ۶۷ سال است و فرانسه حداقل سن بازنشستگی از ۶۲ سال به ۶۴ سال افزایش یافته است و در این مورد با چنین مقایسه ای می‌توان دریافت در جهانی که مبنای اصلی پیشرفت سرمایه دارانه بهره کشی روزافزون از کارگران است هنوز حداقل به لحاظ صوری با اختلاف بسیاری قوانین ایران در این زمینه عادلانه تر به نظر می‌رسد. در مرتبه بعد واقعا باید بر این واقعیت اذعان داشت که بازنشستگی افراد در سن ۵۰ سالگی یعنی در اوج مرحله بهره‌وری و خلاقیت به لحاظ سنی امری کاملا غیر منطقی به نظر می‌رسد و شاهدیم که افراد پس از بازنشستگی در این سن و حتا بالاتر در همان سازمان یا بازار کاری دیگر برای رفع احتیاجات ضروری به ادامه کار می‌پردازند و معمولا کسی در این سنین خود را خانه نشین نمی‌کند. از مراتب پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت آنچه مورد مطالبه کارگران و زحمتکشان ایران می‌تواند قرار گیرد نه تقلیل سن بازنشستگی بلکه مطالبه دستمزد عادلانه می‌تواند باشد. چرا که هدف از کار کارگران تأمین معاش و بر طرف نمودن احتیاجات است و برای نیروی کاری که نمی‌تواند این نیاز را با حقوق بازنشستگی بر طرف کند عملا سن بازنشستگی تا زمان از کارافتادگی کامل وی امتداد میابد و صحبت درباره حدود آن بیهوده است.

می‌بینیم که با یک نگاه کلی و منطقی محل منازعه کاملا متفاوت شد. به این معنی که اگر کارگران از دستمزد عادلانه و متناسب با رشد تورم بهره‌مند گردند چه بهتر که از خلاقیت و بهره‌وری آنها در راه رشد شخصی و اجتماعی در میان سالی استفاده گردد نه اینکه در اوج مهارت مجبور شوند شغلی که در آن تجربه کافی دارند را رها کرده و در برخی موارد به کارهای دون‌شان خود تن دهند.*



یهودیان برای ایجاد صلح عادلانه در خاورمیانه» و نیز سازمان‌ها، احزاب و گروه‌های چپ و کمونیست فراخوانده بودند. رفقای هوادار حزب کارایران (توفان) فعالانه در این تظاهرات شرکت کردند و با خلق فلسطین ابراز همبستگی نمودند.

در سوئد در طی یک ماه اخیر چندین تظاهرات بزرگ برگزار شد. یکشنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۲۳ در دوازده شهر مختلف سوئد تظاهرات علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل برگزار شد که با توجه به سانسور شدید رسانه‌های رسمی این کشور، دریغ از یک گزارش کوچک از اینهمه مردم صلحدوست و آزادیخواه در کف خیابان. در استکهلم هزاران نفر در مقابل مجلس سوئد تجمع کرده، پس از سخنرانی‌های پرشور در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت رژیم متجاوز اسرائیل بطرف میدان مرکزی شهر «سرگل» راه پیمایی نمودند. یکی از نمایندگان شیلیایی تبار پارلمان سوئد، عضو «حزب چپ» سوئد ضمن همبستگی با مردم سوئد بمباران غزه را شدیداً محکوم کرد و از دولت بورژوازی و راست این کشور انتقاد نمود. یکی دیگر از سخنران این تجمع نماینده حزب کمونیست سوئد بود که با محکومیت رژیم صهیونیستی صریحاً اعلام کرد: یکم، مبارزه مردم فلسطین از ۱۷ اکتبر آغاز نشده، بلکه بیش از ۷۰ سال است که ادامه دارد. دوم، مبارزه‌ای که در جریان است بین اشغالگر و جنبش مقاومت تحت اشغال، بین ظالم و مظلوم است. در اینجا مبارزه ملت تحت اشغال مشروع و عادلانه است. سوم، مبارزه‌ای که در جریان است فقط بین سازمان اسلامی حماس و قوای اشغال‌گر نیست، بلکه جنگ همه احزاب و گروه‌های فلسطینی سوی ایدئولوژی و مذهب علیه متجاوزین صهیونیست است. چهارم، قوای متجاوز و استعمارگر حق دفاع از خود را ندارد و دولت سوئد برخلاف همه موازین بین‌المللی بشیرمانه حق دفاع از متجاوزین را به رسمیت می‌شناسد و مبارزه مردم فلسطین را تخطئه می‌کند. پنجم، احزاب «چپ» پارلمانی سوئد، سوسیال دمکرات تحت رهبری ماگدلنا اندرشون و حزب چپ سوئد، نوشی داد گستر، با محکوم کردن مقاومت عادلانه جنبش فلسطین و عملیات ۱۷ اکتبر که مورد حمایت همه احزاب و سازمان‌های فلسطینی از جمله جبهه خلق برای آزادی است، برای صهیونیستها خوش رقصی می‌کنند. اینها ریاکار

گزارشی از تظاهرات‌های ضد صهیونیستی و اشغالگری و در همبستگی با خلق فلسطین

از ساعت ۱۴ روز، شنبه ۴ نوامبر تظاهرات بسیار باشکوهی در شهر برلن با شرکت قریب به ۱۳۰۰۰ هزار نفر در حمایت از مقاومت و مبارزه فلسطینی‌ها در نوار غزه برگزار شد در این تظاهرات با شکوه نکته‌ای که علاوه بر نظم، جو گرم و شعارهای رزمندگانه به چشم می‌خورد، سازماندهی بی‌نظیر آن بود. از سوی برگزارکننده‌گان صدها نفر مامور انتظامی مسئولیت نظم این تظاهرات عظیم را به عهده داشتند که به بهترین وجه از عهده آن برآمدند. هزاران پرچم فلسطین در هوا به اهتزاز درآمده بود. بنرهای بی‌شماری خواست‌های تظاهرکنندگان را به نمایش درآورده بودند. یک پرچم فلسطین به طول حدود ۱۰۰ متر و عرض ۲۰ متر روی دست ۱۰ ها نفر با شکوه خاصی حمل می‌شد. در صف اول تظاهرات معلولین فلسطینی با ویلچر در حرکت بوده و در ردیف دوم زنان فلسطینی به‌طور سمبلیک جنازه‌های نوزادان کفن پوش را حمل می‌کردند. شعارهای این تظاهرات که قبلاً، اجباراً از سانسور پلیس برلن گذشته بود، عبارت بودند از: از برلن تا غزه، بالا انتفاضه! به نسل کشی در غزه خاتمه دهید! فلسطین آزاد! غزه آزاد! زنده باد فلسطین! به کشتار خلق، به آپارتاید، به اشغال فلسطین توسط اسرائیل پایان دهید! اسرائیل بمباران می‌کند، آلمان هزینه می‌کند! دفاع از حقوق دموکراتیک و آزادی بیان، از جمله برای فلسطینیان! و... بیش از هزار پلیس مسلح در دو طرف صف تظاهرکنندگان رژه می‌رفتند. در حالیکه پلیس برلن تعداد شرکت کنندگان را ۸۵۰۰ نفر اعلام کرده است بر گزار کنندگان تعداد شرکت کنندگان را بیش از ۱۳۰۰۰ نفر برآورد کرده‌اند. به این تظاهرات علاوه بر «اتحاد گروه‌های طرفدار فلسطین» سازمان منتقد اسرائیل بنام «صدای

لایه‌های جوان جامعه در این تظاهرات شرکت کردند. فعالین حزب کار ایران (توفان) نیز وسیعاً در این تظاهرات شرکت کردند و همبستگی خود را با خلق فلسطین ابراز داشتند. برخی از شعارهای این راهپیمایی عظیم عبارت بودند از:

مرگ بر دولت نژادپرست و غاصب و کودک کش اسرائیل!

مرگ بر نتانیاهوی جنایتکار!

از رودخانه تا دریا!

فلسطین آزاد خواهد گشت!

سوئد بیدار شو! و

آتش بس فوری!

مرگ بر صهیونیسم!

مرگ بر امپریالیسم امریکا و شرکای غربیش!

دروغ بر انتفاذه ۱-۲-۳!

این راهپیمایی باشکوه از یکی از مراکز شهر استکهلم شروع و به سایر خیابانها و اطراف این شهر کشیده. در حین راهپیمایی تظاهرات کنندگان از کنار شرکت زنجیره‌ای مک‌دونالد گذشته و این شرکت امپریالیستی را مورد انتقاد شدیدی قرار دادند. بیش از ۳۰ هزار نفر در این تظاهرات شرکت کردند.

تظاهرات حامیان فلسطین مقابل سفارت صهیونیستی اسرائیل در استکهلم گزارش دریافتی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در سوئد: دیروز چهارشنبه ۲۲ نوامبر ساعت دو بعد از ظهر تظاهراتی در مقابل سفارت اسرائیل و در ادامه مقابل سفارت امریکا در شهر استکهلم با موفقیت برگزار شد. علیرغم سرمای شدید حضور این جمعیت و شماری از شخصیت‌های مهم سیاسی سوئدی و سازمانهای مترقی چشمگیر بود. رفقای هوادار حزب کار ایران (توفان) هم در این تجمع و راهپیمایی شرکت فعال داشتند.

شعارهای اساسی این تظاهرات بر علیه اشغالگران صهیونیستی و امپریالیست امریکا و متحدین غربیش منجمله دولت امپریالیستی سوئد بدین قرار بوده:

نابود باد صهیونیسم!

از رودخانه تا دریا، فلسطین آزاد خواهد گشت!

نابود باد امپریالیسم امریکا!

از استکهلم تا غزه-اسرائیل! جنایتکار-نتانیاهوی جنایتکار!

آتش بس فوری!

زنده باد غزه، زنده باد! فلسطین آزاد!

اسرائیل تروریست-صهیونیستهای کودک کش!

مردم سوئد بیدار شوید

نه برق نه آب نه غذا و نه دارو!

زنده باد انتفاضه!

در پایان چند شخصیت سوئدی، فلسطینی و انگلیسی در این تجمع سخنرانی با شکوهی کردند و جنایات صهیونیستها در غزه که با همکاری آمریکا و متحدین غربی و از جمله دولت سوئد صورت گرفته را افشا و محکوم ساختند و خواهان آتش بس فوری و قطع بمباران وحشیانه در غزه شدند.

برگزاری چندین تظاهرات ضد صهیونیستی در چند شهر آلمان یکشنبه ۱۹ نوامبر طبق گزارشات دریافتی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در آلمان روز شنبه هزاران نفر در چند شهر آلمان از جمله در بن و فرانکفورت برلین و دوسلدورف....، برای همبستگی با خلق فلسطین به خیابان آمدند و جنایات ضد بشری اسرائیل را محکوم کردند. تظاهر کنندگان شعارهای «غزه را آزاد کنید» و «فلسطین را آزاد کنید» سر دادند. همچنین شعارهای «آلمان کمک مالی می‌کند، اسرائیل بمباران می‌کند»، «نسل کشی را متوقف کنید» و «سازمانهای آلمانی دروغ می‌گویند، گول نخورید» توسط تظاهر کنندگان سر داده شد..... *

و فاقد روح همبستگی با مردم غزه هستند. این رفیق سخنران سپس با چند شعار از جمله: پیروز باد جنبش مقاومت فلسطین! تحریم باد رژیم آپارتاید اسرائیل! نابود باد رژیم صهیونیستی! آتش بس فوری! قطع فوری بمباران و محاکمه سران جنایتکار صهیونیست در یک دادگاه بین‌المللی! به سخنرانی‌اش پایان داد و مورد تشویق وسیع تظاهر کنندگان قرار گرفت. فعالین حزب کار ایران (توفان) نیز وسیعاً در این تظاهرات شرکت کردند، ضمن ابراز همبستگی با خلق فلسطین رژیم متجاوز و فاشیست و کودک کش اسرائیل و بمباران وحشیانه غزه را محکوم نمودند.

گزارش دریافتی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در مورد تظاهرات شنبه ۱۱ نوامبر در شهر لنینوپینگ در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت رژیم جنایتکار اسرائیل. «در همبستگی با خلق فلسطین بیش از ۴۰۰ نفر در تظاهرات شهر لین شوپینگ سوئد که توسط «گروه حمایت از فلسطین» برگزار شد، شرکت کردند و نفرت و انزجار خود را نسبت به فجایع غزه و حمایت بیش‌رمانه دولت سوئد از رژیم تروریستی و نژاد پرست اسرائیل ابراز داشتند. افراد و شخصیت‌های مختلفی در این تجمع در دفاع از مردم فلسطین سخنرانی کردند. فعالین حزب کار ایران (توفان) نیز در این تظاهرات شرکت داشتند و ضمن محکوم کردن رژیم صهیونیستی اسرائیل با خلق فلسطین و جنبش مقاومت فلسطین ابراز همبستگی نمودند. یکی از رفقا در این تظاهرات سخنرانی پرشوری ایراد کرد که مورد استقبال شرکت کنندگان در تظاهرات قرار گرفت. در بخشی از این سخنرانی چنین آمد: دوستان و رفقای فلسطینی، دوستان و رفقای سوئدی! اکنون در شرایطی این تظاهرات را برگزار می‌کنیم که رژیم صهیونیستی همچنان به بمباران وحشیانه مردم بی‌دفاع غزه ادامه می‌دهد و دولت بیش‌ر سوئد نیز از آن حمایت می‌کند. دوستان و رفقا! پس از آنکه امپریالیسم جنایتکار آمریکا بمب اتمی را به شهر هیروشیما ژاپن در طول جنگ جهانی دوم در ۶ اوت ۱۹۴۵ پرتاب کرده، انفجاری که منجر به مرگ و ویرانی گسترده در سراسر شهر شد حدود ۱۵ کیلو تن برآورد شد. اکنون نزدیک به ۸۰ سال بعد، نیروی انفجاری بمب‌هایی که هوایماهای جنگی ارتش صهیونیستی اسرائیل از زمان حمله مرزی جنبش مقاومت فلسطینی حماس در ۷ اکتبر به غزه پرتاب کردند، «معادل بمب هسته‌ای پرتاب شده بر فراز هیروشیما» است. پس از حملات طوفان ۷ اکتبر که منجر به کشته شدن ۱۵۰۰ اسرائیلی شد، حملات انتقام جویانه و تروریستی اسرائیل به منطقه تحت محاصره اقتصادی و نظامی غزه بیش از ۱۱ هزار فلسطینی از جمله ۵۰۰۰ کودک جان‌باختند. دوستان و رفقای عزیز! صرف نظر از اینکه نازیسم و صهیونیسم هر کدام سمبل افراطی‌ترین گرایش‌های نژاد پرستانه‌ی دوران معاصر به شمار می‌آیند و نیز جدای از سیاست‌های مشترک توسعه طلبانه و مطامع پایان ناپذیر هر دو، و هم چنین غیر از تعاملات و توافقاتی که به‌طور مستمر، میان آنها وجود داشت، اتخاذ خشونت بارترین شیوه‌های برخورد و توسل به بی‌رحمانه‌ترین روش‌های قلع و قمع مخالفان، از جمله وجوه مشترک میان این دو جریان مصیبت بار قرن بیستم به حساب می‌آید. از این روی بدون تردید نازیسم و صهیونیسم دو روی یک سکه‌اند و باید قاطعانه محکوم گردند. سکوت و بی‌طرفی در برابر جنایات غزه، همدستی با تروریسم دولتی اسرائیل و علیه حقوق بشر است! ما خواهان آتش بس فوری و قطع بمباران وحشیانه هستیم! نابود باد رژیم صهیونیستی و تروریستی اسرائیل! نابود باد امپریالیسم آمریکا بزرگترین تروریسم دولتی جهان! زنده نبرد قهرمانانه خلق فلسطین

یکشنبه ۱۹ نوامبر ده‌ها هزار نفر در استکهلم سوئد علیه بمباران وحشیانه غزه و در محکومیت حکومت فاشیستی صهیونیستی اسرائیل راه پیمایی کردند. طبق گزارش دریافتی از فعالین حزب کار ایران (توفان) در استکهلم امروز یکشنبه ۱۹ نوامبر تظاهرات عظیمی از طرف گروه فلسطین در همبستگی با مردم غزه و محکومیت رژیم جنایتکار و صهیونیست اسرائیل برگزار شد. بسیاری از شخصیتها، سازمانها و احزاب مترقی و

چرا بخشی از مردم ایران، نسبت به قتل عام و نسل کشی فلسطینیان در غزه،

توسط اسرائیل، بی تفاوتند؟!

همه انسان‌های انقلابی، مترقی، عدالتخواه و باوجدان جهان می‌دانند که هدف از تشکیل «کشوری» بنام اسرائیل، هرگز برای نجات یهودیان نبوده بلکه در پس پرده، اهداف اصلی دولتمردان فاشیست و استعمارگر امپریالیسم قدرتمند انگلستان در اوایل قرن بیستم، نظیر چرچیل، لویدجرج، جیمز بالفور و لرد روتشیلد، بر اساس سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، دولت جعلی اسرائیل را در درجه اول برای تسلط و غارت نفت خاورمیانه و بدنبال آن سرکوب و جلوگیری از رشد افکار انقلابی کمونیستها در منطقه و ملی‌گرایی در کشورهای عربی و بطور کلی برای حفظ منافع غرب، در فلسطین پایه‌گذاری کرده‌اند.

از آن زمان تا به امروز، خلق‌های عرب و بویژه خلق فلسطین تاوان سیاست استعماری راهزنان غرب وحشی بریتانیایی و آمریکایی را می‌پردازند. جنایات و نسل‌کشی رژیم نازی و فاشیست آلمان و کشتار قریب به شش میلیون یهودی و وجدان گناهکار مسیحیت اروپا، آنچنان بستری را برای صهیونیست‌های اسرائیلی فراهم کرد تا با تاکید «خدای خویش، یهوه» ، ثبت در تورات، خود را قوم برگزیده و برتر و بقیه اقوام روی زمین، خصوصا اعراب و فلسطینیان را پست‌تر از خود و «حیوان انسان‌نما» بدانند! از طنز روزگار تمام آن همدردی‌ها، همبستگی‌ها، اشکها و مظلومیت‌هایی که در رسانه‌ها، فیلم‌ها و سخنرانی‌ها برای نسل‌کشی یهودیان توسط نازیسم آلمان، طی دهه‌ها سال، وجدان و قلوب جهانیان، خصوصا اروپاییان را جریحه دار کرده بود، به یکباره در کشتار و نسل‌کشی و وحشیگری‌های اخیر آدمخواران صهیونیست آمریکایی، اروپایی و اسرائیلی در نوار غزه به باد رفت و بی‌اعتبار شدند! جنایات و توحش اخیر نازیسم اسرائیل نژاد پرست در غزه، همدردی یا یهودیان قتل‌عام شده توسط ارتش آلمان را هم، در بین اعراب و مردم خاورمیانه و کشورهای اسلامی، کم‌رنگ و بی‌مقدار نمود!! جهانیان دریافته‌اند که در درنده‌خویی و عوامفریبی تفاوتی بین نازیسم آلمان و نازیسم صهیونیست‌های اسرائیلی نیست. تظاهرات و اعتراضات میلیون‌ها مردم در ۱۲۰ کشور دنیا علیه جنایات اسرائیل و حمایت بیش از ۵۰ سازمان و احزاب مترقی و انقلابی جهان، گواه این مدعاست!

بر جهانیان و ملت‌های ضداستبداد و ضدفاشیسم عیان شد که این صهیونیست‌های مسیحی آمریکایی و اروپایی و صهیونیست‌های اسرائیلی هستند که برای حفظ برتری و هژمونی خود در دنیا، مدام امنیت جهانی را به خطر می‌اندازند و در این راه و مقصود خود، حتی حاضرند کره زمین را به جنگ اتمی بکشانند و بشریت را نابود سازند!

«مدعی گر نکند فهم سخن، گو: سروخشت!»
باری، در این کارزار و در این جنگ نابرابر و قتل‌عام مردم غزه، بی‌اعتنایی و انفعال اکثریت شکننده مردم ایران نسبت به کشتار فلسطینیان سوال برانگیز شده است!

برای پاسخ به این پرسش به نکات زیر و بصورت راندوم و تیتروار اشاره می‌کنیم تا خوانندگان محترم به عمق فاجعه و شکاف عمیق بین اکثریت مردم با حاکمیت جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران بیشتر پی‌ببرند.

از فردای پیروزی انقلاب ۵۷ و سرنگونی رژیم وابسته به غرب شاه و اخراج تمامی مستشاران سیاسی و نظامی امپریالیسم مسلط آمریکایی توسط مردم ایران، جماعتی تحت نام «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر، با حمایت همه‌جانبه همان مردمی که ضد استبداد و ضد

اجنبی ولی ناآگاه و بی‌اطلاع از افکار روحانیون فریبکار و مزور، قدرت سیاسی را بدست گرفتند که تا بظنون ارتجاعی، قرون وسطایی، مکار، خدعه‌گر و بی‌رحم بودند!

رهبران جمهوری اسلامی تازه به قدرت رسیده از فردای انقلاب برای استقرار حاکمیت قوانین و مقررات به‌غایت عقب مانده خویش، دهها برابر خشن‌تر از رژیم شاه، بگیر و ببند، زندان و شکنجه و اعدام را در دستور کار قرار دادند و به مدت ۴۵ سال هر صدای آزادیخواهی و مترقی و مخالف خود را در نطفه خفه کردند! افراد فاسد، بی‌سواد و ضدایران و ایرانی را در قوه قضاییه، مجلس قانون‌گذاری و قوه اجراییه بکار گماردند! جامعه را به خودی و غیر خودی تقسیم نمودند، برای غیر خودی‌ها آرزوی مرگ کردند، قوانین و مناسبات مربوط به بیش از هزار سال قبل را به‌زور به مردم تحمیل و در این راه دست و پا بریدند، سنگسار کردند، به‌صورت زنان و دختران اسید پاشیدند و در زندگی خصوصی ایرانیان دخالت کردند و هزاران عمل غیرانسانی و ضدبشری دیگر را بیرحمانه و با سرکوب خشن مرتکب شدند! تمام بلایای سماوی و ارضی را ناشی از موی زنان و بی‌حجابی دیدند و دزدی‌های میلیاردی و زمین‌خواری‌های کلان و فساد و فحشا و مواد مخدر و لواط‌کاری‌های امثال سعیدطوسی و رضاتقتی را به‌عمد ندیدند! صدا و سیما را با آوردن چهره‌های پشمالو و کره‌المنظر و تا مغز استخوان بیسواد و بیرون از جهان علم و دانش، ایران و تاریخ چندین هزارساله ایران و فرهنگ و ادبیات و شعر و موسیقی و هنر هزارساله‌اش را به‌سخره گرفتند و فردوسی و سعدی و حافظ و مولوی و دیگر شعرای نامی و مفخر ایرانیان را کافر و بدکیش خواندند و حماسه‌ها و دلآوری‌ها و میهن‌پرستی و مبارزات ایرانیان غیر خودی و دگراندیش علیه تجاوزات و هجوم بیگانگان سلطه‌گر را انکار نمودند! دروغ و ریاکاری و دزدی را ترویج دادند و سیاست اقتصادی خانمان برانداز و رباخوار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی و تجارت جهانی را بر مردم تحمیل و شصت درصد ایرانی را به فقر و سوءتعبیه کشانند!!

این موارد بالا و صدها و هزاران موارد اشاره نشده دیگر چنان شکاف و دره‌ای عمیق را بین مردم و حاکمیت ارتجاعی و فاسد و رانتخوار ایجاد نمود که اگر حاکمیت بگوید ماست سفید است، باور نخواهند کرد!

تمام جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران در سیاست داخلی خویش در این چهل و اندی سال نشان داد که به‌هیچ صراط مستقیمی پای‌بند نیست. نه به اصلاحات تن خواهد داد و نه به انتخابات آزاد و آرای عمومی و نه در مقابل فریاد و اعتراضات کارگران و زحمتکشان، زنان، بازنشستگان، معلمان و حاشیه‌نشینان و دهقانان گوش شنوایی دارد. تکیه‌گاه رژیم همان ده‌الی پانزده درصد از کل جمعیت ایران است که از رانتخواران، مفتخوران، مفسدان اقتصادی و خرپول‌های بالای جامعه تشکیل شده‌اند که بخاطر

منافع خویش، به‌ظاهر مدافع رژیم و خواهان وضع موجود می‌باشند. این است آن وضعیت و شرایطی که اکثریت مردم و خصوصا جوانان بعد از انقلاب، برای سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی تَره هم خورد نمی‌کنند و همواره در جهت عکس سیاست‌های کلی رژیم اسلامی ایران، گام برمیدارند و لذا نسبت به نسل‌کشی مردم غزه توسط نازی‌های اسرائیلی بی‌تفاوت و دارای موضع انفعالی هستند! پُر کردن این شکاف و این دره عمیق بین مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی پاسخ دادن به مطالبات مردم و ایجاد رضایت و آرامش مادی و اجتماعی در جامعه است و جز این نخواهد بود. در غیر اینصورت راهی برای مردم جز به‌زیر کشیدن حکومت سرکوبگر سرمایه‌داری و استقرار یک حکومت دمکراتیک و مردمی که فقط با سازماندهی، تشکیلات و رهبری حزبی و از طریق یک انقلاب قهرآمیز و بدون کمک و دخالت اجنبی و اجنبی پرستان، وجود نخواهد داشت.

«راه راست، آواره را از میان وادی‌های عالم به‌سر منزل مقصود می‌رساند و کجروی و اِهمال به‌شوره‌زار مرگ می‌کشاند.»*



چهره فاشیستی و ضد انسانی صهیونیست‌ها عیان‌تر شده است

عرب نبودند و نخواهند بود. در این رابطه خوب است که نگاهی به اظهارات «توماس فریدمن» متخصص برجسته آمریکایی در حوزه سیاست خارجی که چند روز پیش در روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر کرد، بی‌ندازیم:

«صراحتاً می‌گویم، برای من کاملاً روشن است که اسرائیل اکنون در معرض خطری واقعی و به‌مراتب بزرگ‌تر از هر زمان دیگری از سال ۱۹۴۸ قرار دارد. اسرائیل با تهدید مجموعه‌ای از دشمنان مواجه است که جهان‌بینی خداسالارانه را با تسلیحات مدرن قرن ۲۱ ترکیب کرده‌اند و دیگر نمی‌توان آنها را به‌عنوان گروه‌های کوچک شبه‌نظامی رده‌بندی کرد، بلکه آنها هر کدام دارای ارتش‌های جدید با تیپ‌ها، گردان‌ها، قابلیت‌های سایبری، موشک‌های دوربرد، پهپادها و پشتیبانی‌های فنی - لجستیک هستند. حماس، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت اسلامی در عراق و حوثی‌ها در یمن... این نیروهای ضداسرائیلی مدت‌هاست که برای چنین روزی برنامه‌ریزی کرده و اکنون همه آنها کنار هم ظاهر شده‌اند و اسرائیل را از همه طرف تهدید می‌کنند... هدف این است که اعتماد اسرائیلی‌ها را از بین ببرند و این امر را اثبات کنند که سرویس‌های دفاعی و اطلاعاتی تل‌آویو دیگر نمی‌توانند از آنها در برابر حملات غافلگیرانه محافظت کنند.

اگر این مطلب به‌صورت کامل برای ساکنان اسرائیل اثبات شود، مجبور خواهند بود ابتدا از مناطق مرزی دور و سپس به‌طور کامل از اسرائیل خارج شوند. من از اینکه چه حجم از اسرائیلی‌ها این خطر را کاملاً احساس می‌کنند، حیرت‌زده شدم.»*

چهره فاشیستی و ضد انسانی صهیونیست‌های آمریکایی - اسرائیلی در این جنگ نا برابر علیه کودکان، زنان، جوانان، بیماران و حتی نوزادان غزه و سلاخی آشکار غیرنظامیان فلسطینی، چنان در چشم جهانیان آشکار گردید که به‌جرات می‌توان گفت که بعد از این و در آینده نزدیک، نه‌دولتمردان و صهیونیست‌های آمریکایی در انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو و نه حیوانات انسان‌نمای مستقر در کابینه فاشیستی اسرائیل، هرگز خواب راحتی اگر کشتار مردم در جنگ کره، ویتنام، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن و... برای راهزنان و جنگ‌افروزان بین‌المللی سودی داشت، قتل‌عام مردم بی‌دفاع و بی‌پناه و بی‌گناه فلسطینیان در غزه برای صهیونیست‌های اسرائیلی هم سودی خواهد داشت! وحشت و ترس از مبارزان فلسطینی و عدم دسترسی به نیروهای مقاومت، نظیر حماس، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جهاداسلامی و بیش از ده گروه و تشکل‌های دیگر فلسطینی، آدمخواران اسرائیل را به‌جنون کشانده است.

اسرائیل نمی‌تواند مبارزان فلسطینی را نابود کند حتی اگر تمام غزه را با خاک یکسان نماید اگر حمایت و پشتیبانی مالی و نظامی و تسلیحاتی امپریالیست‌های غربی، بویژه آمریکا، نبود، مدت‌ها قبل کار اسرائیل ساخته بود زیرا که این «کشور» جعلی با جمعیت وارداتی‌اش که ریشه در آن آب و خاک متعلق به فلسطینیان ندارند، هرگز وزنه و عددی در قبال خلق‌های جهان

واقعیت‌هایی پیرامون بودجه حماس و دولت غزه

دولتمردان، رسانه‌ها و مطبوعات کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسرائیلی بعلاوه‌ی طیف اپوزیسیون خودفروخته و مزدور ایرانی دائم در بوق و کرنا می‌دمند که جمهوری اسلامی ایران حامی اصلی مالی حماس است و در این رابطه ادعاهای دروغین گوناگونی نیز عرضه می‌دارند.

اما واقعیات خلاف آن را ثابت می‌کند.

ما در زیر سعی خواهیم کرد که به منابع مالی و کمک‌هایی که حماس سالانه دریافت می‌کند اشاره کنیم تا «سیه‌روی شود هر که در و غش باشد».

یک روزنامه برلینی به نام «تاگس اشپیگل» در ۶ نوامبر ۲۰۲۳ مطلبی تحت عنوان «میلیاردها دلار از سراسر جهان برای حماس» به‌رشته تحریر در آورده که به نکات قابل تعمقی اشاره داشته است. مقاله مذکور از یک طرف می‌نویسد «بنا بر اطلاعات متخصصان اسرائیلی حماس که در غزه حکومت می‌کند از منبع درآمد گمرک اجناس وارداتی و نیز مالیات‌های دریافتی، در سال ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار به زور دریافت می‌کند» (!!) اینکه چگونه و چرا حماس گمرک و مالیات را به زور دریافت می‌کند، ولی کشورهای دیگر نظیر اسرائیل و یا خود آلمان که مدام بر تعرفه‌های گمرک و مالیات می‌افزایند با لطافت و مهربانی این کار را انجام می‌دهند بر ما معلوم نیست؟!

این جریده سپس ادامه می‌دهد:

«همین متخصصان اسرائیلی مدعی‌اند که حماس سالانه ۲۰۰ میلیون دلار در سال نیز از جمهوری اسلامی ایران دریافت می‌کند» (توجه کنید، حماس که مخارجش از طرف جمهوری اسلامی ایران تامین می‌شود، قرار است که با ۲۰۰ میلیون دلار از پس این مهم برآید!!؟؟ البته بی بی سی در ۹ نوامبر ۲۰۲۳ این مبلغ را ۱۰۰ میلیون دلار ذکر کرده است این نشریه در همانجا ادامه می‌دهد: «بنا بر حدسیات (تکیه از توفان) دولت آمریکا، دولت ایران سالانه برای مسلح کردن حماس، حزب الله، جهاد اسلامی و سایر گروه‌های اسلامی میلیارد ها دلار، با هدف نا امن کردن منطقه و به منظور جلوگیری از ایجاد صلح خرج می‌کند». یکم اینکه دولت آمریکا نه‌مقدار این کمک‌های میلیاردی دروغین ایران را ذکر می‌کند و نه اشاره‌ای به منبع این اطلاعات دارد و تنها به حدت زدن اکتفا می‌کند! دوام مضحک این جاست که در اینجا کسانی ادعای امنیت و صلح می‌کنند که خود در عمل نه تنها در خاورمیانه، که در سراسر جهان در پی ایجاد جنگ و نا امنی به‌منظور غارت مواد معدنی و انرژی زا، سلط بر بازار فروش، سرمایه‌گذاری، فروش اسلحه و... بوده، هستند و خواهند بود. نا امنی‌های خاور میانه را نه تنها امپریالیسم آمریکا و متحدین ناتوی‌اش بیش از ۲۰ سال

است که دامن می‌زنند، بلکه اسرائیل، این سنگر استعمار جهانی در منطقه انرژی خیز خاورمیانه، با غصب، دزدی، زور، کشتار، زندان و آواره ساختن خلق فلسطین باعث و بانی ۷۵ سال نا امنی و جنگ بوده، هست و خواهد بود.

ما در اسرائیل با حکومتی روبرو بوده و هستیم که حتا بخاطر عدم انجام طرح صلح آبکی و قلابی اسلو که میان یاسر عرفات و اسحاق رابین در سال ۱۹۹۳ منعقد شد، در همان سال، نخست وزیر منتخب مردم را به جرم «خیانت به صهیونیسم»، در روز روشن در وسط شهر تل آویو به گلوله بست و از همان تاریخ آب پاکی را روی دست همه جهانیان ریخت که راه حل دو دولتی با اسحاق رابین به گور سپرده شد. از همان روز تا کنون صهیونیست‌ها بر شهرک‌سازی، آواره کردن، کشتن و زندانی کردن مردم بی‌دفاع فلسطین افزودند. ناگفته عیان است که این جنایتکاران جنگی و جنایتکاران علیه بشریت پیوسته مورد حمایت اربابشان آمریکا و هم پیمانان ناتوی شان، بویژه آلمان بوده و هستند. ولی امروز همین جنایتکاران و همدستان ایرانی شان با وقاحت و بی‌شرمی خاصی گناه نا امنی در منطقه را به گردن حماس، سازمان جهاد اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، سوریه، لبنان، یمن و بعضا قطر می‌اندازند.

در این رابطه «تاگس اشپیگل» ادامه می‌دهد «از قطر نیز سالانه مبلغ بزرگتری به غزه سرازیر می‌شود.» و غیر مستقیم به قطر می‌تازد، بدون آنکه توضیح دهد که ۱۰ سال پیش، آمریکا، سازمان ملل، اسرائیل و قطر با هم توافق کردند که قطر سالانه ۳۰ میلیون دلار به نوار غزه کمک مالی کند. همان زمان تصمیم بر این شد که این مبلغ می‌بایست برای خرید سوخت، حقوق کارمندان دولت غزه و کمک ماهانه ۱۰۰ دلار به هر خانواده مستحق نوار غزه به مصرف برسد.

قطر این مبلغ را تا قبل از جنگ ۷ اکتبر به اسرائیل واریز می‌کرد و کارمندان سازمان ملل این پول در داخل چمدان‌ها به غزه منتقل می‌کردند. امروز اما جنایتکاران اسرائیلی ارسال این پول را، با این بهانه که حماس آن را خرج ماشین جنگی خود کرده و می‌کند، قطع کرده‌اند. تو گویی مردم غزه که اکثرشان نه شغلی دارند و نه ممر درآمدی تا کنون با باد هوا زندگی می‌کرده‌اند. مخارج دولت غزه طبق اطلاعات موجود بطور عمده از طریق کمک برخی دولت‌ها، از طریق موسسات خیریه و مردم، فعالیت در بازار بورس و نیز سرمایه‌گذاری‌های مختلف در سایر کشورها تامین می‌شود. کشورهای کمک‌کننده طبق اطلاعات موجود عبارتند از قطر، کویت، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ایران، الجزیره، ترکیه و سودان که مهمترینشان همان قطر است. این کشور از نظر سیاسی نیز پشتیبان حماس به شمار می‌آید تا جاییکه حماس در دوحه یک دفتر سیاسی دایر کرده است. بسیاری از فلسطینی‌های خارج از کشور ماهانه مبلغ قابل ملاحظه‌ای کمک مالی جهت فراهم آوردن امکان زندگی برای مردم غزه جمع‌آوری می‌کنند. حتی بسیاری از مسلمان مرفه جهان با پیروی از قانون خمس



نگاهی به آمار سازمان ملل متحد از درد و آوارگی فلسطینی‌های غزه

«آژانس امداد رسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک» (به اختصار: اونروا) اعلام کرد که تا تاریخ ۱۹ نوامبر، تعداد ۹۳۰ هزار نفر آواره را در ساختمان‌های تحت نظارت خود در سراسر نوار غزه پناه داده است. این پناهگاه‌ها در حال حاضر به شدت پر ازدحام هستند و دیگر جایی برای مهاجران جدید وجود ندارد.

اصلی‌ترین نهاد زیرمجموعه سازمان ملل متحد در نوار غزه در آخرین به روز رسانی آمار خود از وضعیت بشردوستانه در این ناحیه اعلام کرد که از هفتم اکتبر تا کنون نزدیک به یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر آواره شده‌اند.

اونروا روز سه‌شنبه در گزارش خود آورد که جابجایی این تعداد زیاد از مردم منجر به شیوع قابل توجه بیماری‌ها از جمله بیماری حاد تنفسی و اسهال شده است که رشد ۴۰ درصدی را در دو هفته گذشته تجربه می‌کند.

بر اساس این آمار تازه، از هفتم اکتبر تا ۱۹ نوامبر: بر اساس گزارش اونروا، به‌طور متوسط برای هر ۷۰۰ نفر یک عدد دوش حمام وجود دارد و به‌طور متوسط هر ۱۶۰ نفر یک توالت مشترک دارند. برآورد می‌شود که ۵۰ هزار زن باردار در غزه وجود داشته باشد که روزانه بیش از ۱۸۰ نفر از آن‌ها زایمان می‌کنند. چاه‌های آب همچنان کار می‌کنند و عملیات انتقال آب به پناهگاه‌های واقع در رفح و خان‌یونس ادامه دارد. با این حال، به دلیل کاهش سوخت، تولید چاه‌های آب از میانگین ۱۰ هزار مترمکعب به ۷ هزار کاهش یافته است. در مجموع ۱۲۶۸ کامیون کمک‌رسانی از طریق گذرگاه رفح وارد غزه شده است. از این تعداد، ۲۰۰ کامیون متعلق به آژانس اونروا بودند که حامل مواد غذایی، آب، لوازم پزشکی و سایر اقلام ضروری غیرخوراکی بودند.

دست کم ۷۷۸ فلسطینی آواره شده که به ساختمان‌های اونروا پناه آورده‌اند نیز هم‌اکنون زخمی هستند و دست کم ۱۷۶ نفر نیز در این مکان‌ها کشته شده‌اند. این عدد تخمینی است و انتظار می‌رود بیشتر باشد*.

۵/۲٪ از درآمد خود را به کمک به مردم فلسطین اختصاص می‌دهند. البته سیاستمداران ضد بشر آمریکا ۲۰ سال است که سازمان‌های امدادگر مسلمان را تحریم کرده و از ارسال پول از جانب آن‌ها به غزه جلوگیری می‌کنند ولی این سازمان‌ها و افراد خیر از راه‌های گوناگون تاکنون کمک‌های شایانی به غزه رسانده‌اند. این نکته را هم بیافزاییم که طبق اطلاعات موجود: « طی دو دهه گذشته کشورهای امارات ۳ میلیارد، الجزیره ۸/۹ میلیون، کویت ۷۵۸ میلیون، عربستان سعودی ۴ میلیارد و ۷۶۶ میلیون دلار به کرانه باختری و دولت محمود عباس کمک کردند و کرانه باختری هم متعهد شده بود که بخشی از این کمک‌ها را به نوار غزه ارسال کند و این کار را انجام داد. (بی بی سی فارسی ۹ نوامبر ۲۰۲۳)»

ولی به جرات می‌توان گفت که کمک‌های افراد معمولی و موسسات خیریه و گروه‌ها یکی از منابع مالی مهم حماس به شمار می‌آیند.

اسپوتنیک در دی‌ماه ۱۴۰۰ نوشت که حماس بیش از ۹۵٪ از بودجه خود را از دولت‌ها، سرمایه‌گذاران اخوان‌المسلمین، مردم و حامیان فلسطین در سراسر جهان تامین می‌کند. المانیتور نوشت: که ایران در مجموع به ۷ هزار خانواده شهیدای فلسطینی در غزه و ۲ هزار در کرانه باختری هر ۳ ماه یکبار کمک مالی می‌کند.

اما دشمنان جنبش مقاومت فلسطین و حامیان آن از جمله ایران با بی‌پروایی و بی‌شرمی شب و روز مشغول تحریف حقایق و دروغ پراکنی مبنی بر اینکه «حماس تنها با کمک جمهوری اسلامی ایران قادر به ادامه حیات است» خاک به چشم مردم ایران می‌پاشند.

نه این دروغ‌گوینان و نه حامیان بین‌المللی شان و نه رسانه‌هایشان نمی‌گویند که اسرائیل سالانه ۱۵ درصد از بودجه دفاعی ایالات متحده آمریکا را می‌بلعد، نمی‌گویند که از سال ۱۹۵۸ کنگره آمریکا سالی قریب به ۳ میلیارد دلار به اسرائیل کمک کرده است. نمی‌نویسند که اسرائیل از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۴ بزرگترین دریافت‌کننده کمک مالی بوده و جمعا ۱۲۱ میلیارد دلار دریافت کرده است.

نمی‌گویند که تنها آمریکا از بعد از جنگ دوم جهانی ۱۳۰ میلیارد دلار به اسرائیل کمک مالی کرده است. نمی‌گویند که ۸۰ درصد از واردات تجهیزات نظامی ارتش اسرائیل، به مثابه چهارمین ارتش جهان از کشور آمریکا بوده است.

ولی با دنائت، دون طبعی و فرومایگی که تنها برازنده خودشان است، تمام گناهان نابسامانی‌ها و ناآرامی‌ها و نیز جنگ ۱۷ اکتبر را به گردن حماس، سایر سازمان‌های مقاومت و جمهوری اسلامی که سالی ۱۰۰ میلیون دلار به حماس کمک می‌کند می‌اندازند!*

جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین

«حماس یک جنبش مقاومت فلسطینی است و ما به عنوان یک گروه مارکسیست با کمال میل با این حزب همکاری می‌کنیم. در لبنان، با حزب کمونیست لبنان همکاری می‌کنیم و روابط خوبی با حزب الله شیعه داریم. با احزاب مترقی عرب در اسرائیل و حزب کمونیست اسرائیل نیز در ارتباط هستیم. تا کنون سه جنگجوی جبهه مارکسیستی، در درگیری طوفان الاقصی کشته شده‌اند. اگر حزب الله تصمیم به حمله به اسرائیل بگیرد، ما مایل و قادر به انجام وظیفه و سهم خود در کنار حزب الله هستیم. تا کنون جبهه مردمی برای آزادی فلسطین ۳ جنگجو و جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین ۱۱ جنگجوی خود را در این درگیری‌ها از دست داده است.»

علاوه بر نیروهای مسلح حماس، دیگر گروه‌های فلسطینی در عملیات طوفان الاقصی شرکت می‌کنند. از جمله آنها دو حزب چپگرای جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) و جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین (DFLP) هستند. «فواد بیکر»، سخنگوی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین و عضو بخش امور خارجه این حزب در بیروت، پایتخت لبنان، روز شنبه در یک مکالمه تلفنی به یونگه ولت گفت: «ما بر این باور رسیده‌ایم که قدرت پایان دادن به اشغال اسرائیل و دستیابی به آزادی زندانیان خود را از بازداشت اسرائیل داریم.»

سخنگوی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین گفت ما آگاه هستیم که پاسخ اسرائیل «خشن» خواهد بود، اما «با وضعیت پیش آمده ما بیش از همه چیز فکر می‌کنیم که آزادی زندانیان نزدیک‌تر است.» این حمله همچنین دولتهای کشورهای دیگر را هدف قرار داده است: اخیراً دولتهای غربی و عربی وانمود می‌کردند که هدف اصلی بهبود وضعیت اقتصادی فلسطینیان است. فواد بیکر توضیح می‌دهد که حمله طوفان الاقصی در ۷ اکتبر با صدائی رسا، به کل جهان اعلام کرد که «حقوق ملی فلسطین» در معرض خطر است.

این حمله باید در چارچوب تنش‌های رو به رشد در منطقه دیده شود. ماه‌هاست که نمازگزاران مسجد الاقصی در اورشلیم مورد آزار و اذیت و توهین قرار می‌گیرند. تنش‌ها در لبنان و کشورهای عربی اطراف منطقه درگیری افزایش یافته است. سخنگوی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین از نزدیکی اسرائیل و عربستان سعودی انتقاد کرد. او می‌گوید: دولت نتانیاها در حال برنامه‌ریزی برای از بین بردن فلسطین است، بر اساس همان نقشه ارائه شده توسط نتانیاها در مجمع عمومی سازمان ملل هدف، نسل‌زدائی از فلسطینی‌ها و گسترش نفوذ جغرافیایی اسرائیل بعنوان یک استراتژی صهیونیستی است. بنابر این، مقاومت تصمیم گرفت به‌موقع برای سالگرد جنگ اکتبر در سال ۱۹۷۳ حمله کند.

جنگجویان جبهه مردمی برای آزادی فلسطین در حمله از نوار غزه شرکت کردند. و تاکنون سه عضو این جبهه



حمایت احزاب مارکسیست از جنبش مسلمان در فلسطین

رسانه‌های بی‌شرم غرب مدام می‌گویند: «جنگ میان سازمان تروریستی حماس و اسرائیل دمکراتیک اما جنگ نابرابری که جریان دارد، جنگی است میان اشغالگران صهیونیست و مجموعه جنبش مقاومت فلسطین اعم از مارکسیست و اسلامی و مسیحی... جنگ جنبش مقاومت فلسطین بر ضد اشغالگران، جنگی ملی و رهایی بخش و در نتیجه عادلانه است. جنگ اسرائیل جنگی استعماری، تروریست دولتی و خلاف تمام موازین بین‌المللی است» علاوه بر نیروهای مسلح حماس، دیگر گروه‌های فلسطینی در عملیات طوفان الاقصی شرکت کردند. از جمله آنها دو حزب چپگرای جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) و جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین (DFLP). «فواد بیکر»، سخنگوی جبهه خلق برای آزادی فلسطین و عضو بخش امور خارجه این حزب در بیروت، پایتخت لبنان، روز شنبه در یک مکالمه تلفنی به یونگه ولت گفت: «ما بر این باور رسیده‌ایم که قدرت پایان دادن به اشغال اسرائیل و دستیابی به آزادی زندانیان خود را از بازداشت اسرائیل داریم.» سخنگوی جبهه خلق برای آزادی فلسطین گفت ما آگاه هستیم که پاسخ اسرائیل «خشن» خواهد بود، اما «با وضعیت پیش آمده ما بیش از همه چیز فکر می‌کنیم که آزادی زندانیان نزدیک‌تر است.» این حمله همچنین دولتهای کشورهای دیگر را هدف قرار داده است: اخیراً دولتهای غربی و عربی وانمود می‌کردند که هدف اصلی بهبود وضعیت اقتصادی فلسطینیان است. فواد بیکر توضیح می‌دهد که حمله طوفان الاقصی در ۷ اکتبر با صدائی رسا، به کل جهان اعلام کرد که «حقوق ملی فلسطین» در معرض خطر است

کمال میل با حماس همکاری می‌کنیم. «حزب ما DFLP جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین یازده جنگجوی خود را در این درگیری‌ها از دست داده است.»

«نقش ما در نوار غزه با نقش ما در کرانه باختری و لبنان متفاوت است.» در حالی که در غزه «از تمام اشکال مقاومت استفاده می‌شود»، در کرانه باختری «یک سری تظاهرات و اعتراضات» سازماندهی شده است. علاوه بر این، جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین وظیفه مستند سازی جنایات جنگی اسرائیل و حفظ مداوم ارتباط با تشکیلات ملی فلسطین برای اقدامات فوری در سطوح بین‌المللی و دیپلماتیک ایفاء می‌کند. از سوی دیگر، در لبنان، جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین اقدامات همبستگی و همکاری‌های متقابل را در اتحاد عمل با حزب کمونیست سازماندهی می‌کند: «به‌عنوان مثال، در بیروت، ما یک تجمع برای فلسطین با حزب کمونیست لبنان سازماندهی کردیم. همچنین روابط خوبی با حزب‌الله شیعه لبنان داریم، زیرا در برابر اسرائیل مقاومت می‌کند و از فلسطینی‌ها حمایت می‌کند.» الکولایب رئیس دفتر بین‌المللی جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین همچنین بر «روابط خوب با احزاب عرب در اسرائیل» و «حزب کمونیست اسرائیل» تاکید می‌کند که بخشی از جنبش دموکراتیک است که جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین هم با آن ارتباط دارد. در گفتگوی دیگری با فواد بیکر، رئیس بخش حقوقی حزب او گفت: به ویژه نگران حدود ۵۵ هزار زندانی فلسطینی در بازداشت اسرائیل هستیم. آنها از ملاقات، برق و غذا محروم شدند. از مجموع این ۵۵ هزار زندانی ۵۰ تن زن و ۱۶۰ تن کودک هستند. که هشت تن از آنها در زندان متولد شده‌اند. او گفت: «آیا این جنایتی آشکار و اخلاقی نیست که ده‌ها فلسطینی که سالها است در بازداشتگاه‌های اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند، برای ده‌ها در سردخانه نگهداری می‌شوند و برای دفن به خانواده‌هایشان تحویل داده نمی‌شوند؟»

«برای الکولایب بسیار مهم است که جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین خواهان صلح سریع باشد. با این حال، نه صلحی که ایالات متحده و اسرائیل با شرایط خود به ما ارائه می‌دهند.» هدف یک کشور مستقل فلسطینی در مرزهای سال ۱۹۶۷ با اورشلیم پایتخت آن است. عملیات «طوفان الاقصی» نیز این رویا را نزدیک‌تر می‌کند.

یونگه ولت

ترجمه: عسگر داوودی*

مارکسیستی، سراج نصر، لوی اکل و اسماعیل ایسکافی، در این درگیری کشته شده‌اند. پس از آغاز حملات، جشن‌هایی در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی در لبنان گرفته شد، سخنگوی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین می‌گوید: «رویای بازگشت در برخی موارد دوباره بیدار شده است.» اگرچه تا همین اواخر تنش‌ها و درگیری‌های مسلحانه در اردوگاه‌ها وجود داشت، اما فلسطینی‌ها در لبنان اکنون «متحد تر از همیشه» هستند.

روز یکشنبه، حملات راکتی حزب‌الله شیعه به مزارع شبعات تحت اشغال اسرائیل در جنوب کشور انجام شد. در جریان بازدید قبلی از اردوگاه پناهندگان بارالیاس در جنوب بیروت، یکی از اعضای رهبری سخنگوی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین که نخواست نامش فاش شود، اعلام کرد: «ما مسلح هستیم و می‌توانیم از اردوگاه‌های خود دفاع کنیم.» با این حال، حزب‌الله به تنهایی تصمیم می‌گیرد که آیا حملاتی از لبنان به اسرائیل صورت خواهد گرفت یا خیر. «اگر حزب‌الله تصمیم به حمله به اسرائیل بگیرد، ما مایل و قادر به انجام وظیفه و سهم خود در کنار حزب‌الله هستیم. این حمله امید همه فلسطینیان را بازگرداند.»

«فتحی الکولایب» می‌گوید اسرائیل به پیمان اسلو پایبند نیست. او رئیس دفتر بین‌المللی جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطی (DFLP) است. او می‌گوید: مقاومت در برابر سرکوب و اشغال همیشه برای فلسطینیان اجباری است، اما وضعیت در سالهای اخیر بدتر شده است: سیاست شهرک‌سازی غیرقانونی یکی از مهمترین اهداف دولت فعلی اسرائیل است. شهرک‌سازی در همه جا وجود دارد، این توطئه باعث تضعیف روحیه مردم فلسطین می‌شود. در حالی که در سال ۱۹۹۳ تعداد شهرک‌نشینان در کرانه باختری ۷۵ هزار بود، اما امروز به ۸۰۰ هزار افزایش یافته است. فقط تا قبل از طوفان الاقصی ۱۶۵ هزار تن از مهاجرین یهودی مسلح بودند. تنها در سال ۸۰۰ هزار حمله توسط شهرک‌نشینان به فلسطینی‌ها انجام شده گرفته است. بنابراین ما نمی‌توانیم شهرک‌نشینان و مهاجران یهودی را غیرنظامی بدانیم. «در غزه نه غذا و نه مراقبت پزشکی وجود دارد فقر بسیار زیاد است.» بنابراین حمله اخیر از نوار غزه واکنشی به این سیاست اسرائیل بود. رئیس دفتر بین‌المللی جبهه مارکسیست دموکراتیک برای آزادی فلسطین تاکید می‌کند: «ما مخالف کشتن غیرنظامیان هستیم، اما جایی که در حال حاضر غیرنظامیان هر روز کشته می‌شوند غزه است. تاکنون یک سوم کشته شدگان در غزه به همراه ۱۳ کارمند سازمان ملل و ۱۱ روزنامه‌نگار کودک بوده‌اند.» اسرائیل از بمب‌های ممنوعه سفری برای بمباران مناطق مسکونی استفاده می‌کند. کاربرد سلاح‌های سفری از نظر بین‌المللی ممنوع اعلام شده. از سوی دیگر، همه سازمانهای سیاسی وظیفه دارند مقاومت کنند. جنبش «حماس» بزرگترین گروه از مجموع جنبش مقاومت فلسطین است و ما به‌عنوان یک گروه مارکسیست با



جنایت علیه بشریت ادامه دارد

جنایت علیه بشریت کمترین لقبی است که می‌توان به نسل‌کشی اخیر صهیونیست‌های جلاد داد. روز هفتم حمله وحشیانه ارتش اسرائیل به غزه، خاطره تلخ بمباران‌های ارتش امپریالیسم آمریکا در ویتنام، کره، افغانستان، عراق و لیبی و یا محاصره استالینگراد توسط ارتش فاشیسم هیتلری را در اذهان زنده می‌کند. اکنون مناطق وسیعی از غزه با خاک یکسان شده است. شبکه تلویزیونی الجزیره اعلام کرد، وزارت بهداشت فلسطین از افزایش شمار جانباختگان تجاوز رژیم صهیونیستی به نوار غزه از آغاز نبرد طوفان‌الاقصی تاکنون به ۱۳ هزار نفر خبر داد.

تنها ۲۰ هزار نفر از ساکنان مستاصل و درمانده غزه به یک مدرسه، که از جانب نیروهای سازمان ملل اداره می‌شود و یا به بیمارستان‌های مملو از زخمی پناه برده‌اند، تنها به این امید که شاید جلادان صهیونیست این اماکن را بمباران نکنند. تا کنون نزدیک به یک میلیون نفر از ساکنان غزه محل سکونت خود را ترک کرده و بدون سرپناه، آواره و سرگردانند.

پس از هشدار آدمکشان اسرائیلی، ۱،۱ میلیون فلسطینی که در اردوگاه‌های شمال غزه زندگی می‌کنند می‌بایست که این منطقه را ظرف ۲۴ ساعت ترک کنند. این در حالیست که بمباران‌ها بی‌وقفه ادامه دارد. طبق اخبار رسانه‌های غربی در هر ۱۵ دقیقه یک بمب افکن غزه را به آتش بمب می‌بندد.

این جمعیت یک میلیونی در شرایطی که از هوا با آتش بمب افکن‌ها روبروست، خیابان‌ها در اثر بمباران‌ها به شدت آسیب دیده‌اند و بنزین هم، در اثر محاصره غزه یافت نمی‌شود تا حد اقل مسافتی را پشت سر گذارند، مجبور به ترک اجباری ماوای خویش‌اند و بدون هدف در بیابان سرگردان.

پروفسور «آمر وسمن» رئیس انستیتو ارتباطات دانشگاه غزه در یک مصاحبه تلفنی با روزنامه «تاگس تسایتونگ» برلن در این باره

می‌گوید: «ما هیچ کجا نمی‌توانیم برویم، در همان محل و در همان منزلی که ساکن هستیم باید صبر کنیم و باز هم صبر کنیم! به دیگر سخن باید صبر کنیم تا بدترین اتفاق ممکن بیافتد.» او که در یک آپارتمان در جنوب غزه به اتفاق همسر و دو دخترش زندگی می‌کند جرات بیرون رفتن از خانه را ندارد. «در بیرون از منزل هیچ جای امنی وجود ندارد. بمب افکن‌ها مرتب در پروازند.» جنایتکاران اسرائیلی خود اعلام کردند که تنها در جمعه شب گذشته نیروی هوایی اسرائیل ۷۵۰ بار بر فراز غزه به پرواز درآمده و بر سر مردم بی‌دفاع و بی‌پناه بمب ریخته است.

پروفسور «وسمن» ادامه می‌دهد که: «شرایط غیر قابل‌تحملی بر غزه مستولی گشته است.» او اضافه می‌کند که «از روز چهارشنبه جریان برق بطور کامل قطع شده است. ژنراتورهای شهر نیز به علت فقدان سوخت از کار افتاده‌اند. به دلیل کمبود سوخت حتی قادر به پمپ آب از منابع روی بام به داخل منزل خود نیستیم. تنها امکان دسترسی ما به آب بطری آب بازار است، آنهم معلوم نیست که چه زمانی ته بکشد. از آن پس باید از تشنگی مرد!» او در عین حال اضافه می‌کند: «من در زنگی شاهد جنگ‌های متعددی در غزه بودم، ولی این اولین بار است که من شاهد این همه ویرانی و درماندگی اهالی غزه هستم. بسیاری از خانواده‌ها در اثر بمباران‌های اخیر یا همگی نابود و یا به‌شدت زخمی شده‌اند.

بسیاری می‌کوشند که فرار کنند ولی نمی‌دانند به کجا؟!... من نمی‌دانم در آینده با چه وقایعی روبرو خواهیم شد، اما تنها امید ما اینست که جان سالم به در بریم.» به جرات می‌توان گفت که این بار جنایات صهیونیست‌ها در تصور نمی‌گنجد. آنها حتی مدارس کمپ آوارگان سازمان ملل را بمباران می‌کنند.

«پروفسور «وسمن» ادامه می‌دهد: «من وحشت دارم، خیلی هم وحشت دارم، اما باید قوی بمانم تا به مسولیت عمل کنم. بزرگترین آرزوی من حفظ خانواده‌ام می‌باشد.»

صلیب سرخ بین‌المللی در روز پنجشنبه گذشته هشدار داد که بیمارستان‌های غزه فقط برای چند ساعت برق در اختیار دارند. در پارکینگ بیمارستان «شفا» جنازه‌ها روی هم انباشته شده‌اند. «ابو الیاس شوباکی»، آن را به قبرستان بزرگ تشبیه کرد. واقعیت اینست که اکنون فرار از غزه‌ی تحت محاصره ارتش متجاوز اسرائیل برای ساکنین آن غیر ممکن گشته است.

نیروی هوایی اسرائیل حتی گذرگاه مرزی به مصر، به مثابه تنها راه فرار فلسطینی‌ها به خارج از غزه را بمباران می‌کند. صهیونیست‌های جانی با این تجاوز و نسل‌کشی گسترده، که به راستی باید آنرا جنایت علیه بشریت نامید، می‌پندارند که به هدف دیرینه خود یعنی «فلسطین بزرگ» نزدیک خواهند شد. غافل از اینکه همانگونه که خلق دلاور و مقاوم فلسطین طی ۷۵ سال گذشته در مقابل این دشمن اشغالگر سفاک کماکان خواهد ایستاد و به مبارزه برای رهایی ادامه خواهد داد به امید پیروزی خلق فلسطین بر این اهریمن خونخوار.

رژیم ادمکش و فاشیستی صهیونیستی اسرائیل را محکوم کنیم و صدای خلق فلسطین باشیم قطع بیدرنگ بمباران غزه خواست همه صلحدوستان جهان است *

ویتنام، چین و... برای استقرار «استبداد» دینی بود و یا برای پایان دادن به سلطه اجانب و رهائی ملی. این مترادف قرار دادن «استبداد» و «جنگ» مخدوش کردن مبارزه آزادیبخش ملت فلسطین بر ضد اشغالگران کودک کش و جنایتکار صهیونیسم اسرائیل است. خانم نرگس محمدی که ظاهراً «پایش در زنجیر» ولی قلمش در خدمت اجانب و دشمنان ایران رقم می‌زند و ظاهراً از آزادی کامل برای نشر اکاذیب برخوردار است، می‌خواهد چنین القاء کند که مبارزه با سازمان فلسطینی حماس مبارزه با استبداد دینی و مبارزه با جمهوری اسلامی است و لذا نبودن آنها آرزوی قلب دردمند ایشان است حتی اگر تحقق رویاهایش به کشتار ۱۵ میلیون ایرانی و ویرانی سرزمین ما منجر شود.

خانم نرگس محمدی جنایات صهیونیسم را که مردم عادی را در سرزمین اشغالی توسط ارتش و شهرک‌نشینان نازی و نژادپرست می‌کشد، به کشتار ۱۰ هزار کودک تا کنون دست زده است، نوار غزه را به تل خاک بدل نموده و فلسطینی‌ها را از آب، غذا و دارو برخلاف پیمان‌های جهانی حقوق بشری محروم کرده و آنها را حیوان می‌نامد، به یکباره به گردن «استبداد مذهبی» که محلی از اعراب در این بحث ندارد با آگاهی و ریاکاری تمام قرار می‌دهد تا مسبب را جمهوری اسلامی و یا سازمان فلسطینی حماس جلوه دهد.

هر انسان آزاده و مدافع حقوق بشر می‌داند که در جهان **حقی به نام حق اشغال و تجاوز و غصب سرزمین دیگران** وجود ندارد.

اشغالگر و تبهکار نمی‌تواند به **حق دفاع از خود** استناد کند که جنایتکارانه بوده و از طرف سازمان ملل متحد رد شده است. هر انسان صمیمی و نه بی‌وجدان می‌داند که ملت فلسطین حق دارد اشغالگر را با تمام امکاناتی که در اختیار دارد از سرزمینش بیرون کند. هر کس می‌داند که این ملت فلسطین است که حق حیات در سرزمین واقعی خود دارد و نه صهیونیست‌های واراداتی که باید به سرزمین‌های خود بازگرداند و دارای کوچکترین حقوقی در سرزمین‌های اشغالی نیستند. مبارزه مردم فلسطین یک مبارزه عادلانه، یک جنگ عادلانه بر ضد تجاوزگر است و ربطی به ایدئولوژی حاکم بر رهبری مبارزات ملی و رهائی‌بخش آنها ندارد. مرز روشنی میان ایدئولوژی و سیاست موجود است. خانم نرگس محمدی نه تنها دارای ایدئولوژی ارتجاعی و ضدبشری بلکه دارای سیاست ارتجاعی و ضد بشری نیز هست و اساساً با این ماهیت ارتجاعی مجاز نیست در مورد سرنوشت خلقی که برای رهائی ملی خویش به پاخاسته و خواهان نبودن صهیونیسم است اظهار نظر کند. نمی‌شود میان قاتل و مقتول، ستمگر و ستم‌کش، ظالم و مظلوم، استعمارگر و استعمار شده و... علامت تساوی گذارد. مضحک است که کسی آرزو کند غاصب و مغضوب بر آن شوند تا «احترام به حقوق انسان‌ها» و ایجاد امکان «زندگی مسالمت‌آمیز» مردمان در کنار یکدیگر را به رسمیت شناخته و شرایط آن را فراهم آورند. این پیشنهاد ارتجاعی و عمیقاً استعماری به نفع صهیونیسم و امپریالیسم در خدمت حفظ وضع موجود، یعنی ادامه کشتار فلسطینی‌ها، غصب زمین‌های آنها، غارتشان، کشتار کودکان آنها و نسل‌کشی آنهاست. ریاکاری از تمام متن این سند ننگین که در خدمت تسلیم مردم فلسطین و دست‌کشیدن از مبارزه به نفع اشغالگر و غاصب است می‌بارد. این سند در حمایت آشکار از سرکوب ملت فلسطین، حمایت از جنایات صهیونیسم، نقض حقوق بشر و توهین به شعور انسان‌های سراسر جهان است. این سند نشان می‌دهد که در پس جایزه تدارک دیده شده صلح نوبل که توسط اتحادیه اروپا از چند سال پیش و هزینه گزاف و تبلیغات دروغ و سرسام‌آور توسط اپوزیسیون بی‌وجدان ایرانی آماده شده است، دارای چه ماهیتی است. خوشبختانه از روز ۱۷ اکتبر مهرهای به نام نرگس محمدی سوخت، خاکستر شد و به باد فنا رفت. سایر اپوزیسیون بی‌وجدان و همدست اسرائیل نیز به همین سرنوشت دچار خواهند شد.*



نقدی بر بیانیه «نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل از زندان اوین در مورد فلسطین:

خواهان پایان جنگ هستیم!

«چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۰۱ نوامبر ۲۰۲۳ واقعیت این است که «جنگ» و «استبداد» دو روی یک سکه‌اند، هر دو ویرانگر انسانیتند و انسان می‌کشند.

حمله به مردم بی‌پناه، کشتار کودکان، زنان و غیرنظامیان، گروگان‌گیری آنان، بمباران بیمارستان‌ها و مدارس و موشک‌باران مناطق مسکونی، جهان را به حیرت، وحشت و حتی استیصال کشانده است و قلب دردمند من از «استبداد دینی» را به دردی فزون‌تر مبتلا کرده است.

از پشت دیوارهای سرد و سیاه زندان اوین، گرچه پای به‌زنجیرم، اما با رساترین صدا خواهان آتش‌بس فوری، پایان دادن به «جنگ»، کوتاه کردن دست جنگ‌افروزان از سر مردم بی‌گناه، احترام به «حقوق انسان‌ها» و ایجاد امکان «زندگی مسالمت‌آمیز» مردمان در کنار یکدیگر هستیم.

یقین دارم با قدرت افکار عمومی جهانی و انسجام بین‌المللی نهادها و مدافعان حقوق بشر و صلح‌طلبان جهان این مسیر گرچه با دشواری، محقق خواهد شد.

با آرزوی صلح پایدار جهانی و برابری و آزادی
نرگس محمدی

زندان اوین آبان ۱۴۰۲»

ریاکاری خانم نرگس محمدی که نامی از صهیونیست‌های اسرائیل در تمام متن نامه‌اش نمی‌برد در این نهفته است که چنین جلوه می‌دهد که مبارزه مردم فلسطین فاقد پیشینه تاریخی و خارج از زمان و مکان اتفاق افتاده است. وی از مسببان نابودی بیمارستان‌ها، شهرها، مدارس، قتل‌عام کودکان و... نامی نمی‌برد و به مبهم‌گویی عامدانه مشغول است تا صهیونیسم جنایتکار و ضد حقوق بشر را در کنف حمایت خویش بگیرد. وی با هر جنگی ظاهراً مخالف است، با جنگ بر ضد نازی‌ها، با جنگ بر ضد آمریکا و... ولی با جنگ علیه ایران موافق است. این خانم منکر عادلانه بودن جنگ‌های عادلانه ملت‌هاست. وی با تکیه بر «استبداد» در همان آغاز سند ننگینش به خلط مبحث می‌پردازد. پرسش این است که آیا جنگ عادلانه مردم الجزایر، اندونزی، مالی، سودان، هندوستان،



به مناسبت صد و ششمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

در چنین روزی ۷ نوامبر ۱۹۱۷، انقلاب اکتبر سوسیالیستی در روسیه آغاز شد. در این روز کمیته‌های اعتصابی که بعدها شورا نام گرفتند توانستند تحت رهبری حزب بلشویک با شعار «همه قدرت به شوراها» قدرت سیاسی را از دولت موقت بگیرند. ویژگی‌های این انقلاب، پیروزی و سپس سر بر آوردن ضد انقلاب و احیای سرمایه‌داری در شوروی:

یکم: انقلاب شکوهمند اکتبر شوروی، جهان سرمایه و تمامی نظم کهن را لرزاند و به جان سرمایه‌داری وحشت مرگ انداخت. پیروزی‌های حزب بلشویک، تحت رهبری لنین و حکومت جوان شوروی، منظره بین‌المللی را دگرگون ساخت. امید امپریالیسم به پیروزی ضدانقلابیون داخلی برآورده نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی و سرمایه‌داری علیه جمهوری جوان و بنیان‌کن شوروی، بی‌نتیجه ماند. ارتش‌های متجاوز خارجی در جنگ با نیروی انقلابی ارتش سرخ، یکی پس از دیگری شکست می‌خوردند و این شکست‌ها آنها را به جنون وامیداشت. برای مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی نقشه‌های طولانی و توسل به هر سلاح مرگ‌باری لازم می‌آمد. اما به‌رغم تمام این توطئه‌های امپریالیستی و جنون‌آمیز موفق به برانداختن حکومت شوروی نه‌گشتند و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان پیروزمند سوسیالیسم به مدت سی سال به عظیم‌ترین دست‌آوردهای بشری نائل آمد.

در ۱۰۶ سال پیش نظم نوینی در جهان پدید آمد. نظمی که از نظر اقتصادی به استثمار انسان از انسان پایان می‌داد و از نظر سیاسی طبقاتی را به قدرت می‌رسانید، که مورد بهره‌کشی قرار گرفته و در زمره ستم‌کشان بودند. در ۱۰۶ سال پیش تاریخ به مرتجعین، که زندگی در تجملات خویش را از بدیهیات می‌دانستند، فرمان ایست داد و به زحمت‌کشان اعلام کرد، توقف ممنوع! دیگر نمی‌شود به سبک و سیاق سابق مردم را به اسارت در آورد، مالکیت خصوصی را تقدیس کرد و با جنگ‌های خانمان‌سوز

میلیون انسان را آواره و بیچاره نمود. در ۱۰۶ سال پیش بلشویک‌ها در روسیه قدرت سیاسی را به کف آوردند و تنها به این اعتبار که قدرت سیاسی اساس هر انقلاب و تحولی است. انقلابی که در روسیه صورت گرفت، یک انقلاب سوسیالیستی بود. قبل از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه، عده‌ای که خود را «مارکسیست» جا زده بودند و تفسیری غیرانقلابی و غیرطبقاتی از مارکسیسم ارائه می‌دادند، بر این نظر بودند که باید از طریق پارلمانی قدرت سیاسی را به کف آورد و به نظم پارلمانتاریسم بورژوائی گردن نهاد. آنها با استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به عنوان شرط هر تحول سوسیالیستی در کشور مخالف بودند و از این نظریه مارکس و انگلس دفاع نمی‌کردند. آنها مارکسیسمی می‌خواستند که به دهان بورژوازی مزه به‌دهد. لنین، مارکسیسم را با شرایط زمان خود انطباق داد و برای نخستین بار در مقابل چشمان حیرت‌زده جهانیان نشان داد که پابرهنگان، بی‌چیزان، ستم‌کشان، انسان‌هایی که هرگز به حساب نمی‌آمدند، هیچ‌بودگان به یکبار همه چیز شده‌اند. مکتبی در جهان به پیروزی رسیده است که انسانیت را بر اساس پول و سرمایه و تملک، محک نمی‌زند.

انقلاب اکتبر می‌آموزد که لنینسم چیزی جز تفسیر انقلابی و تحول مارکسیسم در عصر زوال امپریالیسم نیست. لنینسم ایده‌های اساسی مارکسیسم را که دشمنان وی آنرا تحریف می‌کردند و به طاق نسیان می‌سپردند، از منجلاب اپورتونیسیم و سازش طبقاتی بیرون کشید، آنرا جلا داد و به همه نشان داد که مارکسیست‌های واقعی چه کسانی هستند. این است نقش تاریخی انقلاب دوران‌ساز و کبیر اکتبر.

دوم: دشمنان انقلاب که نه‌توانستند در مقابل قدرت انقلاب مقاومت کنند، بعد از آن به تحریف دست‌آوردهای انقلاب پرداخته و سعی کردند آن را بی‌اعتبار کنند. مبارزه خروشچف با «کیش شخصیت استالین» و دروغ‌های وی در مورد بنیان‌گذار ساختمان سوسیالیسم در شوروی، در حقیقت به‌زیر پرشش بردن جامعه سوسیالیستی و تفسیر لنینی از ساختمان سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا بود. استالین فرد نبود مظهر دیکتاتوری پرولتاریا و معمار ساختمان سوسیالیسم در طی سی سال بود. استالین بود که قوانین اقتصاد سوسیالیستی را در شوروی با توجه به تجربه دیکتاتوری پرولتاریا، تدوین کرد و تحت عنوان «مسایل اقتصاد سوسیالیستی» منتشر نمود. حمله به استالین، حمله به سوسیالیسم، حمله به انقلاب اکتبر، حمله به مارکسیسم - لنینیسم بود و هست. این است که رویونیست‌ها که در هم‌دستی با خروشچف، لنینیسم را به دورافکندند و شمشیر خویش را برای «زدودن کیش شخصیت استالین» از غلاف بیرون کشیدند، مشروعیت آن را ندارند که از انقلاب اکتبر دفاع کنند. دفاع رویونیست‌ها از انقلاب اکتبر، صرفاً جنبه ظاهری و برای خاک‌پاشیدن به چشم فریب‌خوردگان است. بدون برخورد به دست‌آوردهای سی ساله دوران دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه، بدون برخورد به جریان‌های ضدانقلابی تروتسکیستی، بدون برخورد به نظریات ضدانقلابی خروشچف‌یستی و اصلاحات بورژوائی کاسیگین و برژنف ادعا در مورد حمایت از انقلاب اکتبر و تجلیل از آن سخن پوچی است. *



رژیم اشغالگر اسرائیل برخلاف ادعای خود نتوانسته تونل‌های جنبش مقاومت را تخریب کند

طبق گزارشات رسانه‌های فلسطینی یک هزار و ۳۰۰ تونل در عمق ۷۰ متری زمین؛ شبکه‌ای پیچیده و اسرارآمیز که رژیم صهیونیستی اسرائیل را سردرگم کرده است، وجود دارد. بی‌بی‌سی حتی در گزارش اخیر خود، عمق تونل‌های حماس را گاهی تا ۱۰۰ متر هم پیش‌بینی کرده است و گفته آن‌ها طوری طراحی شده‌اند که اگر فردی آشنا نباشد هرگز نمی‌تواند راه را پیدا کند و در دالان‌های تودرتوی آن گم می‌شود در مقابل اخیراً ارتش رژیم اشغالگر عنوان کرده، نیروهای خود را برای مبارزه در تونل‌ها آموزش داده، اما به نظر می‌رسد این ادعایی بیش نباشد چرا که بعد از گذشت بیش از یک ماه از آغاز جنگ، سازمان حماس عنوان کرده شهادت زیادی نداشته است و همچنان آماده زمینگیر کردن نیروهای رژیم متجاوز اسرائیل است. چون یکی از روسای پیشین شورای امنیت رژیم صهیونیستی هم تأکید کرده طول تونل‌های جنبش مقاومت بسیار بیش از آن چیزی است که اسرائیل ادعا می‌کند، می‌دانند به هزاران کیلومتر می‌رسد. در واقع غزه روی شبکه‌ای دالان‌وار و تودرتو قرار دارد تا نیروهای مقاومت، ارتش رژیم اشغالگر را به کام مرگ بکشانند*

رضا پهلوی در سرسپردگی به اجنبی هم‌تا ندارد

این آقا رضا پهلوی کودتازاده در نوک‌صفتی و ضدایران و ایرانی بودن در تاریخ ۱۰۰ ساله اخیر ایران در بین رجال سیاسی حاکم در دوران پهلوی اول و دوم و رجال غریزه و غربگرای درون جمهوری اسلامی ایران، هم‌تا ندارد علناً به آمریکا و اسرائیل می‌گوید که سر مار در تهران است. چرا با دم مار در غزه و لبنان و عراق و سوریه بازی می‌کنید بیایید ایران را بمباران و ویران کنید تا من پادشاه شوم آنوقت تمام ایران مال شما نادانی، ابله‌ی و بی‌سوادی مطلق از تاریخ معاصر و بی‌اطلاعی از توازن قوا در سطح جهانی و ندیدن شکست و افول قدر قدرتی اربابش آمریکا و متحدان ناتویی‌اش در افغانستان و سوریه و بویژه در اوکراین، او را به موجودی مضحک و مهمل گو بدل کرده که نوک‌منشی و عامل بیگانه بودن، از فرق سر تا نوک پایش عیان و آشکار می‌گردد خیانت و وطنفروشی رضا پهلوی و نزدیکانش انتها ندارد! آنقدر احمق و نادان است که نمی‌داند نه تنها رژیم اسلامی ایران بلکه هیچ رژیمی در دنیا با بمباران سرنگون نمی‌شود مگر اینکه آن رژیم و آن کشور پس از بمباران سفره‌ای، با پیاده کردن صدها هزار سرباز مسلح و مجهز به تانک و نفربر و انواع تجهیزات نظامی، از جانب کشور متجاوز، اشغال نظامی گردد که با توجه به قطب‌بندی جدید جهانی و اوضاع در حال تغییر در عرصه بین‌المللی و قدرت موشکی و پهپادی و مهمتر از همه، وسعت و گستردگی ایران، غیرممکن و از محالات است

تکلیف جمهوری سرمایه‌داری اسلام ایران فقط بدست توانای مردم ایران تعیین خواهد گردید همانگونه که سرنوشت پدرش، به‌رغم ارتش چندصد هزار نفری و با سازمان جهنمی «ساواک» اش، به‌دست ملت ایران رقم خورد و تاوان سرسپردگی و خیانتش به ملت را با آوارگی و سرگردانی پس داد!!*



آیا تونل ۵۰۰ کیلومتری در غزه حقیقت دارد؟

نیروهای حماس و سایر گروه‌های فلسطینی اشاره می‌کنند. مکان‌های ذخیره‌سازی ویژه‌ای برای اسلحه و مهمات وجود دارد، از جمله موشک‌های غیرهدایت‌شونده قسام که فلسطینی‌ها هزاران هزار را از مواد ضایعاتی تولید می‌کنند.

با قضاوت بر اساس ویدئوی اخیر، سازمان حماس حتی موشک‌هایی را بدون اینکه به سطح زمین برود پرتاب می‌کند. این فیلم هم مسلسل و هم مهمات خمپاره را نشان می‌داد. بدیهی است که جنبش مقاومت فلسطینی حماس برای مقابله با ارتش متجاوز اسرائیل که از آغاز عملیات زمینی اعلام شده قبلی در نوار غزه مردد هستند، با دقت بسیار آماده شده‌اند.

اکنون نیروی هوایی اسرائیل وحشیانه مناطق مسکونی غزه را به‌ویژه تبدیل می‌کند، غیرنظامیان فلسطینی را می‌کشد، اما سازمان حماس بی‌سر و صدا در بال‌ها در پناهگاه‌های زیرزمینی قابل اعتماد منتظر هستند و کمین کرده‌اند. هجوم به این هزارتوها قطعاً برای ارتش اسرائیل اگر نگوییم غیرممکن، کاری بسیار دشوار خواهد بود.

علاوه بر این، بسیاری از خروجی‌های استتار شده به سطح به رزمندگان نظامی اجازه می‌دهد تا حملات غافلگیرکننده‌ای را به‌سربازان اسرائیلی که در تلاش برای عبور از ویرانه‌های شهری غزه هستند، انجام دهند. بعلاوه گذرگاه‌هایی که به «خاک اسرائیل» منتهی می‌شوند که توسط ارتش متجاوز اسرائیل کشف نشده‌اند و مطمئناً برای انجام عملیات نظامی استفاده خواهند شد. این تونل‌ها یکی از شاهکارهای جنبش مقاومت فلسطین است که موفق شدند در مقابل یکی از قدرتمندترین ارتش استعماری در خاورمیانه چنین دژ مستحکمی را بنا کنند و به نبردشان ادامه دهند.*

آری، حقیقت دارد. فلسطینی‌ها طی دهه‌ها رویارویی با دشمنی که از نظر فنی مجهزتر است و دارای انواع سلاح‌های مدرن است، از تاکتیک‌های قدیمی استفاده کرده‌اند که به آنها اجازه می‌دهد نیروی انسانی را نجات دهند و مخفی شوند. سلاح و مهمات در مکان‌های غیر قابل دسترس برای موشک‌ها و بمب‌های اسرائیلی. تحلیل گران نظامی تاکنون در مورد پناهگاه‌ها و تونل‌های زیادی در غزه نظر داده‌اند که تا عمق بیست‌متری زیر زمین در نوار غزه حفر شده‌اند.

اما آنچه واقعیت دارد این است، اینها فقط حفره‌ها و معابر به هم پیوسته نیستند، بلکه سازه‌های زیرزمینی به‌خوبی مستحکم با اتاق‌های جادار و ارتفاع سقف حداقل دو متر هستند. طول کل آنها در سال ۲۰۲۱ به ۵۰۰ کیلومتر رسید. وجود استحکامات زیرزمینی توسط گزارش‌هایی که دو سال پیش توسط شبکه تلویزیونی قطری الجزیره تهیه شده بود تأیید می‌شود که خبرنگار آن به‌نوعی از شبکه تونل حماس بازدید کرده بود. در همان سال، ارتش اسرائیل در حین ساخت دیوار در مرز با نوار غزه، تونل‌هایی را کشف کرد که از این منطقه به عمق خاک اسرائیل منتهی می‌شد. با قضاوت بر اساس فیلم‌های منتشر شده، مناطق استراحت رزمندگان نظامی فلسطینی، پست‌های فرماندهی با دستگاه‌های ارتباطی در اعماق زیر زمین قرار دارند و کابل‌ها نیز در امتداد دیوارها نصب‌اند.

این استفاده ارتباطات آنالوگ است که بدون ارتباط فیزیکی قابل رصد نیست و کارشناسان به‌عنوان یکی از دلایل تأخیر اطلاعاتی اسرائیل در تدارک حمله اخیر طوفان‌الاقصی توسط

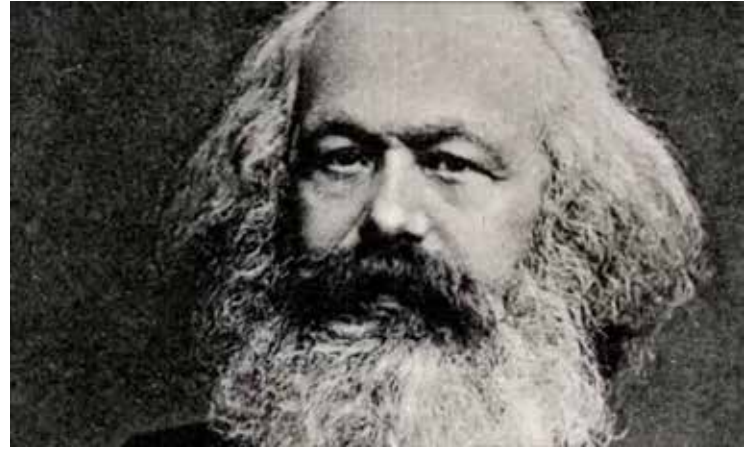
انقلابی آن را به دست فراموشی می‌سپارد و گوشه‌های تیز بُرنده انقلابی آن رامی‌ساید برای آن که آن را با ایدئولوژی بورژوائی تطبیق دهد.

اپورتونیسیم راست انعکاس رویونیسم در محیط سیاست و فعالیت عملی است. خصوصیات رویونیستی عبارتست از تطبیق خود با حوادث روزمره، تطبیق با تغییرات کوچک سیاسی. فراموش کردن منافع اساسی پرلتاریا و تکامل اجتماع در مجموع خود و قربانی کردن این منافع بنام امتیازهای واقعی اما گذرا و حتی موهوم. بگفته لنین بزرگ «یک رونق ناچیز فعالیت صنفی و شکفتگی کاملاً نسبی تجارت، یک بازگشت مختصر به لیبرالیسم بورژوائی تأثیر خود را بر روی طبقه کارگری گذارد. لنین می‌گوید:

«تجربه نشان داده است که آنهائی که در جنبش کارگری عناصر فعال اند و به جریان اپورتونیستی به پیوندند بهترین مدافعین بورژوازی هستند حتی از خود بورژوازی هم بهتر.»

شک نیست که پس از جنگ دوم جهانی و در نتیجه آن سیمای جهان بکلی دگرگون شده است: بر نیروهای هوادار سوسیالیسم افزوده و از نیروهای امپریالیستی کاسته شده است. دوران پس از جنگ شاهد پیدایش اردوی سوسیالیستی نیرومندی بود که قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی آن پیوسته افزایش می‌یافت. بسیاری از کشورهای مستعمره استقلال سیاسی خود را بدست آوردند مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع در کشورهای منطقه توفانی شدت گرفت. جنبش توده‌های مردم در سراسر جهان و از آن جمله مبارزه مسلحانه گسترش یافت. بر تعداد احزاب کمونیست و شماره کمونیست‌ها افزوده گردید. این تغییرات همه بسود انقلاب پرلتاریائی در سراسر جهان است. هر کس درمی‌یابد که در چنین شرایطی نیروهای انقلابی باید برای پیروزی نهائی بر شدت مبارزه و نبرد خود بیفزایند و دشمن مشترک را سرنگون سازند و سرکوب کنند. اما رویونیست‌ها از همه این تغییرات مساعد نتیجه معکوس می‌گیرند راه صلح و مسالمت را موعظه می‌کنند و گذار مسالمت آمیز را به پیش می‌کشند که در واقع چیزی جز روگردانیدن از انقلاب نیست.

بورژوازی و ارتجاع هرگز به طبقه کارگر و نیروهای انقلابی امکان نخواهد داد که منافع او راحتی اندکی هم بخطر اندازد تا چه رسد به اینکه با مسالمت و سخنان خوش او را از کرسی قدرت بزیر بکشد. مقایسه چین و ویتنام با کشورهای فرانسه و ایتالیا که در آن‌ها طبقه کارگر پس از جنگ قدرت بسیاری کسب کرده بود آموزنده است. اگر چین و ویتنام با پیروی خلاق از اصول مارکسیسم لنینیسم توانستند انقلاب خود را به سر انجام برسانند و با سرعت در راه پیشرفت و ترقی پیش بروند، اگر ویتنام قهرمان طی سالیان اخیر توانست با جنگ توده‌ای مقتدرترین بورژوازی جهان را از پای در آورد بورژوازی فرانسه و ایتالیا در برابر شیوه مسالمت آمیز انقلاب مواضع خود را محکم و محکمتر ساخت و حزب کمونیست



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

رویزیونیسم چیست؟ (۲)

رفیق مائوتسه تونگ در ۱۲ مارس ۱۹۵۷ چنین گفت: «دگماتیسم است اگر به مارکسیسم از نقطه نظر متافیزیک و بمثابه چیزی متحجر نگریسته شود. رویونیسم است اگر اصول اساسی مارکسیسم و حقانیت جهان‌شمول آن انکار شود. رویونیسم شکلی از ایدئولوژی بورژوازی است.

«رویزیونیست‌ها فرق میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری، میان دیکتاتوری پرلتاریا و دیکتاتوری بورژوازی رامی‌زدایند. آنچه آن‌ها تبلیغ می‌کنند در واقع مشی سوسیالیستی نیست بلکه مشی سرمایه‌داری است. در شرایط کنونی رویونیسم از دگماتیسم هم زیانمندتر است. در جبهه ایدئولوژی وظیفه مهمی در برابر ما قرار دارد که عبارتست از بسط انتقاد از رویونیسم» رویونیسم مظهری است از ایدئولوژی بورژوازی در جنبش کمونیستی، جریانی است ضد مارکسیستی، بورژوائی که مارکسیسم را از محتوی انقلابی آن تهی می‌سازد، خصلت



بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین

جبهه خلق برای آزادی فلسطین عزادار روزنامه نگاران المیادین است و تاکید می‌کند که صدای حقیقت بلند و بلند خواهد ماند و اشغالگر و رهبران قاتل آن را آزار خواهد داد. جبهه خلق برای آزادی فلسطین عمیق ترین تسلیت خود را به برادر غسان بن ابراز می‌کند. جدو رئیس هیئت مدیره شبکه المیادین خطاب به مدیران و خدمه شبکه ماهواره ای و عموم مردم لبنان در خصوص شهادت فرح عمر روزنامه نگار و ربیع معماری عکاس در ترور از پیش برنامه ریزی شده صهیونیست‌ها در جنوب لبنان با آرزوی شفای عاجل برای مجروحان تاکید می‌کند که سادیسیم و جنایت صهیونیستی با هدف قرار دادن سیستماتیک خبرنگارانی که وظیفه خود را برای پوشش رویداد و انتقال حقیقت انجام می‌دهند، از خطوط قرمز عبور کرده و به حدی فراتر از تصور رسیده است. با تاکید بر اینکه صدای حقیقت بلند و مشروع خواهد ماند و جنایات این نهاد را افشا می‌کند. صهیونیست‌های جنایتکار به تبعیت از رهبران قاتل خود و همه کسانی که در آن شکست خورده است، مجازات خواهند شد. ترور عمدی یک شبکه ماهواره ای بود که خود را پیشرو رسانه های مقاومت می‌داند و همچنان به ایفای نقش خود در پوشش سبیل الاقصی و انتقال اخبار و صدای مقاومت از المیادین ادامه می‌دهد، جنایت جنگی محسوب می‌شود. جبهه خلق برای آزادی فلسطین تاکید می‌کند خون دو خبرنگار شهید فرح عمر و عکاس ربیع معماری آمیخته با خون خبرنگاران فلسطینی موید این است که درد و زخم یکی است و قاتل یکی است، صهیونیسم. این جنایت همچنان داغ ننگی خواهد بود بر دشمن جنایتکار، شکست خورده و ترسو که از تصویر و حقیقتی که فاش می‌شود وحشت زده می‌شود. نقاب دروغین او فرومی‌ریزد. جبهه خلق برای آزادی فلسطین تاکید می‌کند، دشمن صهیونیستی اگر معتقد باشد هدف قرار دادن خبرنگاران می‌تواند صدای حقیقت را خاموش کند، مقاومت را خاموش کند یا به اهداف خود در انتقام از لبنان و مقاومت دلیرانه آن دست باید دچار توهم است. این منطقه به لطف گروهی از خبرنگاران مقاومت بیش از پیش پرده از جنایات صهیونیست‌ها برداشته است. شوالیه های حقیقت که توانستند علیرغم کشتار و هدف قرار دادن سیستماتیک و عمدی علیه خود، حقیقت را در مورد آنچه در صحنه از منظر صهیونیستی در حال رخ دادن است، منتقل کنند و می‌کنند. جبهه خلق برای آزادی فلسطین از فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران خواست تا عضویت رژیم صهیونیستی در فدراسیون را تعلیق کند، جنایات و تخلفات آشکار آن علیه روزنامه نگاران را محاکمه کند و جامعه بین المللی را تحت فشار قرار دهد تا در شرایطی از خبرنگاران حمایت نماید

جبهه خلق برای آزادی فلسطین

۲۱ نوامبر ۲۳

ترجمه و تکثیر: حزب کارایران (توفان)*

و طبقه کارگر را با استفاده از مانورهای بورژوائی بتدریج عقب راند. گذار مسالمت آمیز در واقع احتراز از انقلاب است. تجدید نظری است در قانون اساسی انقلاب پرتاریائی به سود بورژوازی، به سود امپریالیسم و ارتجاع، به زیان طبقه کارگر و به زیان نیروهای انقلابی. اما اگر رویزیونیسم تجدید نظر در مارکسیسم است هر تجدید نظری در مارکسیسم رویزیونیسم نیست.

مارکسیسم مجموعه هم آهنگی است از تئوری‌ها و نظریاتی که از پراتیک اجتماعی برخاسته و راهنمای پراتیک اجتماعی است. اما هرگز نباید فراموش کرد که اولاً جامعه هیچ گاه در یک نقطه ثابت نمی‌ماند و بر اثر تضادها و مبارزات درونی خود تکامل می‌یابد، در نتیجه درجه معینی از تکامل جامعه و مناسب با شرایط جدید باید در پاره‌ای از تئوری‌ها و احکام موجود تجدید نظر شود و احکام و تئوری‌های نوبی جای آن‌ها را بگیرد.

ثانیاً مارکسیسم اصول و احکام کلی راهنمایی را بدست می‌دهد که در هر مورد خاص بشکل خاصی قابل انطباق است. هر حزب مارکسیستی باید این احکام کلی را بر شرایط خاص جامعه خویش انطباق دهد نه کورکورانه دیگران را تقلید کند. البته معنی این گفته این نیست که نباید از تجربه دیگران آموخت. برعکس هیچ حزب یا سازمان مارکسیستی لنینیستی بدون فرا گرفتن و تعمق در تجربه احزاب کمونیست نمی‌تواند کار انقلاب را بطور شایسته ای به ثمر برساند ولی در کار آموختن از این تجربه باید برخورد انتقادی داشت و بطور خلاق عمل کرد و آن را در انطباق با شرایط مبارزه به کار بست. اگر مارکسیسم همراه با شرایط زمانی و مکانی تکامل نیابد خصلت انقلابی خود را از دست می‌دهد و به یک رشته احکام جامد و مرده‌ای تبدیل می‌گردد که ن می‌تواند راهنمای عمل و راهنمای پراتیک انقلابی قرار گیرد. به گفته لنین:

«مارکسیسم مجموعه‌ای از احکام جامد مرده، چیزی آماده و پایان یافته، آموزشی لایتغیر نیست بلکه راهنمای زنده عمل است و بویژه به همین جهت نمی‌تواند تغییر شدید و عمیق شرایط زندگی اجتماعی را در خویش منعکس نسازد».

با تکیه بر همین خصلت انقلابی مارکسیسم است که لنین در ارتباط با تکامل سرمایه‌داری و ورود آن به مرحله امپریالیسم در احکامی چند از مارکسیسم تجدید نظر کرد و مارکسیسم را غنی ساخت. چنین است تئوری پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشور واحد. تئوری پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشوری که حلقه ضعیف امپریالیسم را تشکیل می‌دهد و نه ضرورتاً در یک کشور صنعتی مترقی.

تئوری جمهوری شوراهای بمثابه بهترین شکل دولت دیکتاتوری پرتاریا و نه جمهوری پارلمانی، آنگونه که انگلس عقیده داشت.*

در آمیخت و جهان را به خون کشید. اما در جنگ جهانی دوم اگر به سیر تحولات و رشد و عروج هیتلر را درست ارزیابی کنیم آنوقت بهتر می‌توانیم به دلایل برآمد آمریکا و انگلیس علیه آلمان نازی پاسخ دهیم. تمام اسناد نشان می‌دهند که انگلیس و آمریکا و فرانسه ابتدا از هیتلر شدیداً دفاع کرده و مشوق او در حمله به شوروی بودند. انگلیس و فرانسه بطور محرمانه در کنفرانس مونیخ ۱۹۳۸ با هیتلر نشستند، چکسلواکی را به آلمان بخشیدند و با هیتلر پیمان عدم تجاوز بستند و پیشنهاد اتحاد جماهیر شوروی را برای تشکیل جبهه مشترک علیه آلمان نازی رد کردند. اما علیرغم این از تهاجمات هیتلر که سودای سلطه بلامنازع بر جهان را داشت مصون نماندند. فرانسه در ۱۹۳۹ توسط آلمان اشغال شد و انگلیس در ضعف قرار گرفت و برای منافع امپریالیستی شان با آلمان درگیر شدند. این جنگ ابتدا برای تقسیم مجدد جهان بود اما پس از پیروزی‌های شوروی در نبرد علیه هیتلر، آمریکا و انگلیس و فرانسه پیشنهاد استالین برای جبهه واحد علیه فاشیسم را پذیرفتند، مجبور شدند زیرا چاره‌ای نداشتند. به باور ما، امپریالیست‌های آمریکائی، انگلیسی، و فرانسوی نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه با فاشیسم نداشتند، برعکس این اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین بود که با استفاده از تضادهای امپریالیستی و با فداکاری میلیون‌ها مردم شوروی ستون فقرات ارتش نازی را درهم شکستند و پیروزی را برای مردم جهان به ارمغان آوردند. نقش تعیین‌کننده‌ای شوروی در نبرد علیه هیتلر ایفا کرد و کسی نمی‌تواند آنرا کتمان کند. فاشیسم از درون مناسبات سرمایه‌داری بر می‌خیزد و فرزند خلف اوست. و امروز هم شاهدیم که با رشد بحران سرمایه‌داری فاشیسم نیز بر فراز اروپا و آمریکا در گشت و گذار است تا بحران اقتصادی را به نفع سرمایه‌داری مالی حل کند. پیروز باشید به مکاتبه خود با ما ادامه دهید.*

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان زحمتکش توفان ضمن عرض سلام و ادب حزب شما تنها جریان سیاسی است که همچنان از استالین و مارکسیسم لنینیسم بطور قاطع دفاع می‌کند. اگر شما استالین را ضد سرمایه‌داری تحلیل می‌کنید پس چرا در جنگ جهانی دوم با بخشی از امپریالیست‌های استعمارگرنظر آمریکا و انگلیس و فرانسه هم جبهه شد و ائتلاف تشکیل داد؟ مگر شما نمی‌گوئید که فاشیسم فرزند سرمایه‌داری است؟ با احترام نوید رواویان/ترکیه

پاسخ:

نوید گرامی، کاملاً درست است فاشیسم فرزند سرمایه‌داری است. فاشیسم، شکل آشکار دیکتاتوری‌های هارترین جناح سرمایه‌داری یعنی محصول امپریالیسم است که برای پاسخ‌گویی به حل بحران سرمایه‌داری برای سرکوب خونین طبقه کارگر و زحمتکشان به میدان می‌آید. حتا به جناح‌های رقیب هم رحم نمی‌کند. لذا فاشیسم فرزند سرمایه‌داری و زاده اوست. بورژوازی تا زمانی که با توسل به دیکتاتوری پنهان و شکل پارلمانی صاحب قدرت است و نظم می‌چرخد، آرام است، اما وقتی پارلمان و دفتر و دستک و احزاب رفرمیستی به کارش برای سرکوب طبقه کارگر مفید نمی‌آید، آنها را نیز به کنار می‌زند و چهره واقعی و خونین دیکتاتوری سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد. همانطور که در آلمان گذاشت و آن را با راسیسم و نژاد پرستی



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: سلام. من به تازگی با کانال تلگرام شما آشنا شدم. سؤال من این می‌باشد که حزب کار با صدور اعلامیه یا مقاله ای در صفحه تلگرام توفان "آتش بس" غزه را "شکست بزرگی" برای اسرائیل تحلیل کرد. آیا واقعا این آتش بس که خیلی هم کوتاه مدت اعلام شده، چهارروز برای رسیدگی اسیران زندانی و گروگان‌ها و دفن شهدا و دفن کشته‌ها... پیروزی بزرگ محسوب میشه؟ آیا با بیش از ۱۷ هزار کشته و ویرانی ۷۰ درصد منازل مردم در غزه بازهم می‌توان آن را پیروزی نامید؟

خیلی ممنون از پاسخ‌تان. امضا، عزیزه آق رضایی-آستارا

پاسخ: با درود به شما، بسیار خوشحالم که به کانال تلگرام توفان پیوستید، به شما خوشآمد می‌گوئیم. بله کاملا درست متوجه شدید حزب ما این "آتش بس" را شکست بزرگی برای اسرائیل اشغالگر می‌داند، شکستی که اسرائیل در این ۷۵ سال نظیرش را تجربه نکرده و هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که چنین غافلگیر شود. شکستی که تبعات درازمدت و استراتژیک آن برگشت‌ناپذیر است. تاثیراتش چه در عرصه داخلی چه در منطقه و چه در عرصه صحنه بین‌المللی بسیار بزرگ و کشنده است و آینده تیره و تاری را برای نظام صهیونیستی و جعلی اسرائیل رقم خواهد زد. باید توجه داشت که اسرائیل چه در حوزه نظامی، اخلاقی و حیثیتی و سیاسی شکست خورده و هیچ دستاوردی نداشته است. بسیاری از مقامات مهم کشوری و لشکری اش را در معرض پیگردهای قانونی به جرم ارتکاب جنایات بین‌المللی قرارداد است. «آتش بس» چهارروزه در شرایطی اجرا شد که طرف مقابل، یعنی اسرائیل سازمان حماس را به رسمیت نمی‌شناسد، حتی آن را بعنوان یک سازمان تروریستی محکوم کرده است. اگر این سازمان یک گروه تروریستی و میرنده است دیگر مصاحبه و گفتگو با این سازمان محلی از اعراب نخواهد داشت. اسرائیل با مذاکره با سازمان حماس عملا آن را به رسمیت شناخته است و این تف سربالا به روی صورت خودشان است. این دوگانگی نشان از ضعف و استیصال و شکست اسرائیل است که مجبور شد با قبول پیشنهادات مشخص حماس آتش بس را به پذیرد. این

یک پیروزی بزرگ برای خلق فلسطین و همه خلق‌های منطقه و جهان است.

«آتش بس» چهارروزه که به احتمال قوی تمدید نیز خواهد شد یعنی افول جایگاه لابی‌های متنفذ اسرائیل در آمریکا و پایتخت‌های اروپایی و شکل‌گیری مبارزات مدنی و سیاسی در این کشورها در برابر کمک‌های مالی و تسلیحاتی به رژیم که پیش از این در رسانه‌ها «تنها دموکراسی در منطقه» خوانده می‌شد و امروز برجسب ننگین «آپارتاید» و «جنایتکار جنگی» و «نسل‌کش» بر پیشانی‌اش خورده!

«آتش بس» یعنی آغاز تنش و بحران در سیاست داخلی رژیم صهیونیستی اسرائیل، تشدید تضاد های جناح های صهیونیستی بر سر قدرت، تسویه حساب‌های خشن جناحی قریب‌الوقوع، سقوط دولت کنونی تحت رهبری نتانیاو و پایان حیات سیاسی او! برای همین است که دولت کنونی حکومت اسرائیل حتی از کلیدواژه «آتش بس» هراس دارد و دولت‌های حامی آن از ادای آن نیز پرهیز می‌کنند.

آتش بس در چنین شرایطی که یک گروه کوچک با ابتکارات خود و صبر بی مانند مردمش موفق شده از اسرائیل در اذهان ملت های جهان منفورترین رژیم دنیا را بسازد، آمریکا را حامی نسل کشی آنها جلوه دهد، ملت‌های آزاده جهان را بویژه ممالک مسلمان عربی و آفریقایی علیه بربریت و فاشیسم اسرائیل صهیونیسم متحد کند و قدرت نظامی و امنیتی اش را به سخره بگیرد و در عین حال توان مقاومت هیچ آسیبی نبیند، یعنی اسرائیل در حالی بدون هیچ دستاوردی تن به پذیرش آتش بس داده که نه در آغاز جنگ نقش تعیین کننده ای داشته و نه در پایان آن موفق به تحقق خواسته هایش شده است! همانطور که در چند سطر بالا توضیح داده شد جنبش مقاومت فلسطین در چنین شرایطی می‌تواند حاکمیت اسرائیل را به جان هم بیاندازد و اختلافات داخلی آنها را تشدید کند. در یک کلام آتش بس از طرفی به عمر سیاسی نتانیاو و دولتش پایان می‌دهد و برای اولین بار در ۷۵ سال گذشته فلسطینی‌ها می‌توانند در حاکمیت رژیم اخلاص، و یک کابینه فاشیستی صهیونیستی را سرنگون نمایند.

پرسش این است آیا با اینهمه کشته و ویرانی می‌توان جنبش مقاومت فلسطین را پیروز این جنگ نامید؟ پاسخ ما روشن است، آری می‌توان. پیروزی یک جنگ را باید از منظر کلان سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی مورد سنجش و تبیین قرارداد و تاثیرات و تبعاتش را برای پیشروی یا عقبگرد جنبش مورد بررسی قرارداد. انقلاب رها بیخ و بنام نزدیک به چهارمیلیون کشته داد و ویرانی زیرساختی و منابع طبیعی آن عظیم بود. اما تاثیرات جهانی آن برای جنبش های آزادیبخش عظیم و تاریخی بود. انقلاب الجزیره بایش از ۲ میلیون کشته و ویرانی اما سرانجام بر امپریالیسم فرانسه پیروز شد و زمینه را برای پیشروی سایر ممالک آفریقایی برای رهایی ملی هموار کرد.... از این نوع مثال‌ها زیاد است و ما به همین دو نمونه بسنده می‌کنیم و عمیقا باور به تاثیرات ملی و جهانی «طوفان الاقصی» و پیشروی جنبش انقلابی و ملی فلسطین و سایر جنبش های انقلابی در منطقه و جهان داریم. طبعاً شمار تلافیات انسانی و مالی و آثار ویرانی را که صهیونیست‌ها آفریدند نمی‌توان کتمان کرد و بردفتر جنایات صهیونیست‌های اسرائیلی و امپریالیست‌های غربی افزوده خواهد شد. «آتش بس» کنونی را باید در ادامه ضربات استراتژیک «طوفان الاقصی» بر پیکردشمن متجاوز و استعمارگر مورد بررسی قرارداد و آنرا یک پیروزی برای خلق فلسطین و یک شکست بزرگ برای دشمن فاشیست صهیونیست اسرائیل دانست و نه شکست از منظر کشتار و ویرانی. امید که به پرستان پاسخ داده باشیم. با ما در تباط با باشید. پیروز باشید.*



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						